

پژوهشی در معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران^۱

| | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| منصور حیدری ^۲ | تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۲۰ |
| سیدمحمدجواد قربی ^۳ | تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵ |
| | صفحات مقاله: ۸۰ - ۳۷ |

چکیده:

اتخاذ تدابیر و راهبردهای اقتصادی متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگی، بومی و نیازهای عمومی جامعه برای پیشبرد نظام سیاسی به سوی تعالی در ساحت های مادی و معنوی امری بایسته است که با توجه به ارزش های حاکم بر اقتصاد اسلامی، ضرورت آن دوچندان می گردد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران برای برون رفت از آسیب ها و چالش های درونی از یک سو و رفع تهدیدات بیرونی نظیر تکانه های اقتصادی بین المللی، تحریم ها و بحران های اقتصادی جهانی از سوی دیگر در دهه چهارم انقلاب اسلامی، به سمت و سوی تبیین، طراحی و عملیاتی سازی اقتصاد مقاومتی گام نهاده است. راهبرد اقتصاد مقاومتی برآمده از ارزش های حاکم بر اقتصاد اسلامی می باشد که ناظر بر چگونگی رفع ناملایمات و معضلات درونی و بیرونی اقتصاد ملی است و به همین دلیل، مقاله حاضر تلاش دارد تا با بهره گیری از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات اسنادی به بررسی مفهومی و معنانشناخته اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران بپردازد. در خصوص مفهوم اقتصاد مقاومتی مفاهیم مشابه با عناوین اقتصادهای ریاضتی، موازی، ترمیمی، دفاعی و الگو وجود دارد که اقتصاد الگو به مفهوم اقتصاد مقاومت قرابت بیشتری دارد و نکته حائز اهمیت این مسئله می باشد که اقتصاد مقاومتی صرفاً یک تدبیر اقتصادی کوتاه مدت و برای رفع تهدیدات اقتصادی نیست بلکه یک استراتژی بلند مدت می باشد که برای هر شرایطی لازم است و بعد از رفع تحریم های اقتصادی، همچنان کارآمد و برطرف کننده چالش های اقتصادی درونی و ملی خواهد بود.

* * * * *

۱ - این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «دبیاچه ای بر اقتصاد مقاومتی» می باشد که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی انجام شده است.

۲ - استادیار معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی همدان.

۳ - کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی (نویسنده مسئول)

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، ایران، ارزش‌های اسلامی، فنریت اقتصادی، شوک‌های اقتصادی.

مقدمه

ناکامی کشورها در دستیابی به توسعه اقتصادی، علل و عوامل متعددی دارد، ولی یکی از عوامل تأثیرگذار در این امر، عامل فرهنگی است. فرهنگ یک جامعه، یعنی مجموعه اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های رایج در آن، هم می‌تواند باعث رشد، ترقی و پیشرفت آن جامعه گردد و هم می‌تواند موجب رکود، فقر و عقب‌ماندگی آن باشد. عناوینی مانند «اقتصاد مقاومتی»، «جهاد اقتصادی»، «اصلاح الگوی مصرف» و «همت مضاعف و کار مضاعف»، که در سال‌های اخیر از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته‌اند، همگی در همین زمینه جهت‌گیری شده‌اند. هدف اصلی این نام‌گذاری‌ها عبارت است از تغییر و اصلاح الگوی رفتارهای اجتماعی و اقتصادی و بهره‌گیری صحیح و معقول از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات برای دستیابی به توسعه اقتصادی و بهبودی وضعیت اجتماعی. اگر این الگوهای رفتاری در جامعه نهادینه شده و تبدیل به فرهنگ عمومی گردد، بدون تردید، نتایج درخشانی به بار خواهد آورد. (رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۸) با این تفاسیر، پرداختن به موضوع اقتصاد مقاومتی در دهه چهارم انقلاب اسلامی و تحولات نظام بین الملل یکی از بایسته‌های جمهوری اسلامی است که می‌تواند زمینه‌های امنیت، رفاه، اقتدار ملی و بین‌المللی و کاهش آسیب‌پذیری از تحولات و وقایع بین‌المللی را فراهم آورد. به هر روی، زمینه‌های ضرورت بحث از اقتصاد مقاومتی را می‌توان در مؤلفه‌های زیر خلاصه کرد؛ وجود تحریم‌های بین‌المللی یک‌جانبه و چندجانبه؛ لزوم اجرایی شدن الگوی پیشرفت در بستر توجه به تولیدات ملی و خوداتکایی اقتصادی؛ بحران‌های اقتصادی موجود در جهان و تحت تأثیر قرار دادن اقتصاد کشورهای مختلف و از جمله ایران؛ ضرورت توجه به ظرفیت‌های ملی در رشد اقتصادی و بومی‌سازی اقتصاد کشور؛ رسیدن به استقلال اقتصادی و خودکفایی در نیازهای اساسی جامعه؛ رواج سبک زندگی مصرف‌گرا و لزوم توجه به آموزه‌های مصرف‌اسلامی؛ لزوم استحکام ساخت درونی اقتصاد ملی؛ و کاهش وابستگی‌ها و بسترسازی برای استقلال اقتصادی و ملی.

به هر روی، این مقاله سعی دارد با بهره گیری از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه ای به بررسی معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران بپردازد. در این ارتباط باید اذعان داشت که گزینش، طراحی و عملیاتی نمودن راهبردهای اقتصادی برای تحصیل رشد و تعالی برای جامعه نیز یکی از روش های معمول در میان کشورهای دنیا است و هر کشوری سعی دارد تا راهبرد و روش های رسیدن به آبادانی و پیشرفت خود را طراحی و تدوین نماید. آنچه که در این مسیر حائز اهمیت می باشد این نکته است که برنامه ریزی اقتصادی و اتخاذ راهبردهای اقتصادی نیازمند توجه به مقتضیات بومی، شرایط ملی، تحولات بین المللی، فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه و نظام اقتصادی، ظرفیت نخبگانی در سطح ملی، شرایط جغرافیایی و غیره می باشد و به همین دلیل، هر کشوری باید با در نظر گرفتن مؤلفه های فوق به طراحی و اجرایی شدن راهبردهای اقتصادی بپردازد. جمهوری اسلامی ایران هم با توجه به مجموعه شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی پیش روی خود، اقدام به طراحی و عملیاتی کردن راهبردهای بومی اقتصادی در پرتو الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نموده است و یکی از این روش ها، اقتصاد مقاومتی است. ایده اقتصاد مقاومتی ناظر بر پیشرفت درون زا با توجه به تجربیات بین المللی است که تلاش دارد؛ از وابستگی های اقتصادی بکاهد، میزان آسیب ها و چالش های درونی و بیرونی اقتصاد ملی را مدیریت نماید، فرهنگ صحیح تولید، توزیع و مصرف را در جامعه نهادینه سازد و پیشرفت حقیقی برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان آورد.

اقتصاد مقاومتی الگویی برآمده از اقتصاد اسلامی

به تعبیر شهید مطهری، «ما هیچ احتیاجی نداریم به تزی که از آن سوی دیوار آهنین یا از ماوراء بحار برای ما بیاورند، تز اسلام کافی است.» (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۲) این موضوع در حوزه اقتصاد هم صادق می باشد و در نقطه مقابل، کسانی که فکر می کنند مسائل زندگی از یکدیگر جداست و هر چیزی یک مرز و قلمروی خاص دارد و هر چیزی یک مرز و قلمروی خاص دارد و هر قسمتی از زندگی بشر به یک شیء بخصوصی تعلق دارد، انکار می کنند که مسأله ای به نام مسائل

اقتصادی در قرآن طرح شود زیرا به عقیده این افراد، اسلام و اقتصاد مسائل جداگانه ای هستند؛ اسلام قلمرویی دارد و اقتصاد قلمروی دیگر. این در حالی است که نظام ارزشی اسلام، خوشبختی دنیا و آخرت انسان را به طور همزمان مورد توجه قرار داده است و دنیا را مزرعه آخرت معرفی نموده است. بر این مبنا، هر رفتار اقتصادی مفیدی که در حوزه ارزش های اسلامی مجاز باشد، انجام آن مطلوب و شایسته است. در این میان، قوانین ثابت و همیشگی حاکم بر مسائل اقتصادی، در منابع اصیل اسلامی بیان شده اند. (کوششی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۹) امام خمینی^(ره) در این خصوص معتقد هستند که اسلام برای بشریت برنامه ریزی در امور مختلف و نیازهای فطری بشر دارد و توجه به فرامین اسلامی می تواند تعالی مادی و معنوی به همراه داشته باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۴۷۱) مسائل اقتصادی در تمام عصرها و در میان همه نسلها مطرح بوده و مورد توجه ادیان آسمانی قرار گرفته است. در مکتب اسلام نیز با نظر به جامعیت و خاتمیت آن، این موضوع در سطح گسترده و با مبانی قوی تری عنوان شده است. (وفا، بی تا: ۱۵-۱۴) از منظری دیگر، نظام سازی اقتصاد اسلامی، بسته به مقتضیات زمان و مکان می تواند از انعطاف پذیری لازم برخوردار باشد و علم اقتصاد اسلامی، با تکیه بر معارف غنی اثباتی متخذ از قرآن و سنت، مبانی جدید استنباط احکام کلان نگر اقتصاد اسلامی را در عصر حاضر فراهم کند و در عین حال با توجه به داشتن مبانی ماهوی حقیقی و پایدار، بنیان مستحکمی برای موفقیت روز افزون الگوهای اجرایی اقتصاد در جهان امروز پدید آورد. (عیوضلو، ۱۳۹۳)

انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران با ایجاد تحول عظیم معنوی در جهان، جامعیت اسلام را به عنوان مکتبی که پاسخگوی نیازهای امروز جامعه است به منصفه ظهور رساند. این نظام به واسطه ماهیتی اسلامی و برخاسته از مکتب الهی، اکنون در حال عرضه الگویی برای سعادت دنیوی و اخروی مسلمانان، بلکه برای بشریت است. بدون شک، سعادت که با نگاهی به زندگی جاودان در آخرت، دنیایی آباد، سالم و همراه با عدالت اجتماعی را به ارمغان آورد، مبنایی برای تحول در جهان خواهد شد، و سهم حقیقی جهان اسلام را جلوه گر خواهد ساخت. این سهم حقیقی زمانی به تحقق می پیوندد که در قبال اندیشه های مادی مسلط فعلی الگویی متناسب با ابعاد مادی، معنوی و فطری انسانها به جامعه بشری ارائه شود. از

سوی دیگر، ارزش‌های یک جامعه فراتر از توسعه اقتصادی، جهت‌گیری و نتایج توسعه را تحت‌الشعاع قرار داده و شکل می‌دهند. سرمایه‌های انباشته شده مادی و انسانی در اختیار ارزش‌ها و اعتقادات جامعه قرار می‌گیرند. اینکه چگونه یک جامعه توسعه اقتصادی را با ارزش‌های خود منطبق کند بستگی به تعریفی دارد که از حیات ارائه می‌دهد و حدی که میان مادیت و معنویت قایل می‌شود. واقعیت امر این است که تاریخ فقط سلطه‌گری سیاسی و فرهنگی را با توسعه اقتصادی آمیخته است. تلفیق انسان دوستی و معنویت و توجه به زندگی اخروی با توسعه اقتصادی به مراتب کمتر دیده شده است. اما تجربیات انسانی و قضاوت‌های او هنوز به پایان نرسیده و امید است که بتواند این دو امر را به صورتی زیبا در هم ادغام کند. در این زمینه، دین مبین اسلام که هم راهنمای دنیوی انسان است و هم راهنمای اخروی، منطقی‌ترین و علمی‌ترین تلفیق را ارائه داده است. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۲۶-۱۲۵) با این اوصاف، راه رسیدن به پیشرفت و تعالی اقتصادی، پیمودن گام به گام ارزش‌های مکتب اسلام و مذهب تشیع توسط امت اسلامی است (عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۳۱) که در پرتو استقامت، همت و تلاش مجاهدانه تحقق می‌یابد زیرا؛ همت در امور دنیوی، موجب رشد و پیشرفت جامعه در علوم و فنون، هنر، افزایش منافع مادی و مالی و مانند این‌ها می‌شود، همچنین معطوف ساختن همت به مسائل معنوی و اخروی نیز، تکامل درجات والای انسانی، رسیدن به مقامات روحانی و دست‌یابی به حیات طیبه را به همراه دارد.

از این رو، اگر امت اسلامی حقیقتاً در مسیر الهی و منازل عالی آسمانی حرکت کند، همت و استقامت داشته باشد و طالب کمالات باشد، خداوند هم وعده دستگیری از او را داده است (جویباری و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۴) و در آیه ۶۹ سوره مبارکه عنکبوت چنین می‌فرماید: «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا: آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایتشان خواهیم کرد.» در همین راستا، امام خمینی^(ره) در وصیت نامه سیاسی الهی خویش به این مسئله مهم اشاره می‌کند که اسلام تأمین‌کننده سعادت مادی و معنوی در بالاترین وجه آن است و حرکت در مسیر آن، قدرت استقامت در برابر ستمگری‌ها، چپاول‌ها، فسادها، تجاوزها و سایر پلیدی‌ها را به امت اسلامی می‌دهد. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۸) از این

رو، در حوزه‌های اقتصادی نیز برای دست‌یابی به رستگاری و تعالی «این جهانی» و «آن جهانی» باید به مکتب اقتصادی اسلام رجوع کرد.

محمدجواد باهنر در کتاب «گذرگاه‌های الحاد» به ملاک‌های پیشرفت اشاره می‌کند و معتقد است که پیشرفت‌های رایج اقتصادی در غرب، فاصله‌ی زیادی با پیشرفت و ارزش‌های متعالی اسلام در حوزه رشد و بالندگی انسان دارد و به همین منظور، پیشرفت و توسعه اقتصادی غرب را ناقص می‌داند و توجه به معیارهای اصیل اسلامی در مسیر پیشرفت را مهم می‌داند. (باهنر، الف-۱۳۸۷: ۱۳۲-۱۳۱) براساس نگرش شهید باهنر به ملاک‌های پیشرفت غربی که اقتصاد را به رفع نیازهای مادی و حیوانی انسان محدود می‌سازد، می‌توان این برداشت را از تلقی ایشان دریافت نمود که انسان مادی بر اساس تعالیم اقتصادی رایج غربی، هیچگونه مقاومتی در برابر نیازهای خود ندارد و باید امور معیشتی او فارغ از مسائل ارزشی، انسانی، اجتماعی و اخلاقی تأمین شود و همین امر، پیشرفت اقتصادی و الگوهای اقتصادی را به مثابه الگویی تک‌بعدی در اقتصاد تقلیل می‌دهد که هدف آن، ساختن جامعه‌ای مرفه و بی‌نیاز از تمنیات خواهد بود. این در حالی است که الگوی اقتصاد اسلامی مبتنی بر مقاومت است. مقاومت در برابر تمنیات و خواسته‌های نفسانی افسارگسیخته، مقاومت در برابر بی‌عدالتی اجتماعی، مقاومت در برابر ستم و ورزی ثروتمندان علیه تهیدستان و ضعفا در جامعه، مقاومت در برابر ظلم اقتصادی معاندان نظام اسلامی، مقاومت در برابر رذیلت‌های اقتصادی نظیر مصرف‌زدگی، رفاه‌بی‌قید و شرط، اصراف و تبذیر و ...، مقاومت در برابر تعدی به اموال دیگران و خیلی از مسائل دیگر که همه این مؤلفه‌ها زمینه‌ساز یک اقتصاد مستحکم و مقاوم در پرتو آموزه‌های اقتصادی مکتب اسلام می‌گردد.

چنین رویکردی در فرایند انقلاب اسلامی قابل مشاهده است به گونه‌ای که با انقلاب فرهنگی در افکار و اندیشه‌ها و اقدامات اعضای جامعه، انقلاب اقتصادی و اجتماعی در جامعه به وجود آمد و در پرتو این دگرگونی فرهنگی در عرصه‌های اقتصادی نیز مقولاتی چون سودجویی، پوچ‌گرایی و عشرت‌طلبی جای خود را به ایثار، مقاومت و رشادت دادند که بستر ساز یک انقلاب اقتصادی گشتند و نگارنده کتاب «مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب

اسلامی» این موضوع را به خوبی تشریح می نماید: «در انقلاب اسلامی ما، انقلاب فرهنگی مطرح است و اگر انقلاب اقتصادی و انقلاب سیاسی و انقلاب های اجتماعی مطرح است بر بنیان انقلاب فرهنگی است؛ یعنی ما ریشه انقلاب را فرهنگی می یابیم. به راستی اگر انقلاب ما هم پیروز شد، اول انقلاب فرهنگی در افکار و اندیشه های جوانان و مردم ما پیدا شد که این مردم به گونه ای دیگر فکر کردند. یعنی آن فرهنگ پوچ گرایی، بی تفاوتی، سودجویی، عشرت طلبی و آن حالت اسالت بار تن به ذلت دادن، به فرهنگ خود بازیابی، ایمان، رشادت، ایثار، گذشت و فداکاری تبدیل شد. در انقلاب ما انسان، فرهنگش عوض شد. وقتی فرهنگ فکری و خصلتی انسان های ما عوض شد و توانستند انقلاب کنند و پیروز شدند، انسان ها به گونه ای دیگر ساخته شدند و توانستند با انقلاب های نو بر اساس معیارهای فرهنگی، انقلاب سیاسی، انقلاب اقتصادی و انقلاب نظامی به وجود آورند.» (باهنر، ب ۱۳۸۷: ۲۶۱-۲۶۰)

یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم، حیات و قابلیت رشد و نمو ثروت است. همانطوری که از شرایط اولیه یک اجتماع سالم اقتصاد سالم است. اقتصاد سالم یعنی اقتصاد قائم به ذات و بی عیب و غیرقائم به غیر. جامعه باید بنیه اقتصادی سالمی داشته باشد، مبتلا به کم خونی اقتصادی نباشد و اگر نه، مانند یک مریض کم خون و یا مریضی که دستگاه قلب و جهاز دمویّه اش خراب است همیشه مریض خواهد بود. گمان نمی رود هیچ عالم و بلکه هیچ عاقلی منکر لزوم و ضرورت اقتصاد سالم باشد. از نظر اسلام هدف های اسلامی بدون اقتصاد سالم غیرقابل تأمین است. اسلام می خواهد که غیرمسلمان در مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیرمسلمان دراز نباشد، و الا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی، هرچند که اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد اسیر و برده او است و اعتباری به تعارف های دیپلماسی معمولی نیست. به قول نهره؛ ملتی مستقل است که جهش اقتصادی داشته باشد. امام علی علیه السلام می فرماید: «اِحْتِجْ اِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ اَسِيرَهُ، اِسْتَعْنِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ، اِحْسِنْ اِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ اَمِيرَهُ: محتاج هر که شوی اسیر او خواهی بود، بی نیاز از هر که گردی با او برابر خواهی شد، و هر که را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی فرمانروای او خواهی شد.» (امام علی، بی تا: ج ۲:

۵۸۴) به اعتقاد شهید مطهری، اگر ملتی کمک خواست و ملتی دیگر کمک داد خواه ناخواه اولی برده و دومی آقااست. چقدر جهالت و حماقت است که آدمی ارزش سلامت بنیه اقتصادی را دریابد و نفهمد اقتصاد مستقل یکی از شرائط حیات ملی است. اسلام همواره روش وسط و معتدل را پیش می‌گیرد و این جهت ناشی از جنبه همه جانبه بودن اسلام است. تز اسلام این است؛ منبع درآمد، تمایلات و خواسته های مردم نباید باشد، مصالح عمومی باید باشد، به تعبیر فقهاء خرید و فروش چیزی جایز است که «منفعت محلله مقصوده» داشته باشد. این اقتصاد، اقتصادی است واقع بینانه و مرتبط به اخلاق و تربیت بشر. پس در عین اینکه اسلام طرفدار ازدیاد ثروت است و ثروت را وسیله تأمین هدف های عالی خود می‌داند، به همین دلیل که هدف، عالی تر از خود ثروت است و راه درآمد را تمایلات و تقاضا نمی‌داند، مصلحت را راه می‌داند، اما در اقتصاد جدید اینگونه محدودیت ها وجود ندارد. اسلام طرفدار تقویت بنیه اقتصادی است اما نه به عنوان اینکه اقتصاد خود هدف است، یا تنها هدف است، بلکه به عنوان این که هدف های اسلامی بدون اقتصاد سالم و نیروی مستقل اقتصادی میسر نیست، اما اسلام اقتصاد را یک رکن از ارکان حیات اجتماعی می‌داند، لهذا به خاطر اقتصاد به سایر ارکان ضربه و لطمه نمی‌زند. اسلام طرفدار این نظریه که سرچشمه درآمد، تقاضاها و تمایلات است نیست، بلکه معتقد است باید تمایلات با مصالح عالی و همه جانبه بشریت تطبیق بکند، از این رو فصل مهمی در اسلام هست به نام مکاسب محرمه. درآمد مشروع از نظر اسلام یعنی درآمدی که از طرفی محصول فعالیت شخص باشد یا لاقبل جنبه استثمار نداشته باشد و از طرف دیگر از لحاظ مصرف، قابلیت مصرف شدن، مشروع و مفید داشته باشد. (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۳-۱۸)

پایه ها و زیربناهای اقتصادی در اسلام عبارت است از کرامت انسان، آزادی همه جانبه در حدود موازین اسلامی، مساوات، اخلاق، بشر دوستی، کار، اختصاص قانون به خداوند، نظارت ملی، زعامت و حکومت، ایمان به مبدأ و معاد. در مکتب اسلام هر چند اقتصاد زیربنا و هدف نیست؛ به عنوان یک وسیله برای آن اهمیت زیادی قائل شده اند و آن را به منزله خون در پیکر انسان دانسته و گفته اند همانطور که پیکر مبتلا به کمبود خون دچار انواع بیماری ها

می گردد، انسان فقیر و جامعه نیازمند هم به انواع بدبختی ها گرفتار می شود، لذا وابستگی اقتصادی را نوعی اسارت و عدم استقلال می دانند. (سبحانی، ۱۳۸۰: ۳۱ و مظاهری، بی تا: ۳۶)

داشتن یک حکومت نیرومند با امکانات مادی فراوان و اقتصاد گسترده و تمدن درخشان هرگز منافاتی با مقامات معنوی و ارزش های الهی و انسانی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۲۸۹) و با توجه به همین قاعده است که شهید مطهری بیان می کند؛ «انقلاب ما اگر می خواهد پیروزمندانه راه خودش را ادامه دهد، باید خود را از همه این پیرایه ها پاک کند و در راه احیای ارزش های اسلام راستین - اسلام قرآن و اهل بیت - حرکت کند.» (مطهری، ۱۳۶۱: ۵۲) تمتع کامل انسان ها از مواهب آفرینش، سعی و تلاش انسان ها برای کشف و دست یابی به اسرار طبیعت، بروز شکوفایی استعدادها در این رابطه، تحریک حس نوع دوستی و تلاش برای کمک به هموعان، شناخت و معرفت آفریدگار جهان و عبادت و سپاس او و انفاق در راه خدا و دستگیری از محرومان از جمله اهداف اقتصاد اسلامی دانسته شده است که دسترسی همه افراد بشر به وسایل رشد و امکانات کافی برای یک زندگی انسانی و تأمین رفاه عامه از طریق تضامن و تکافل همگانی صورت می پذیرد. در همین راستا، هدف نظام اقتصادی اسلام در پرتو هدف کل سیستم که همان کمال نهایی و سعادت ابدی انسان است، وسیله ای برای تحقق بخشیدن به کمال مزبور به شمار می رود و ارزش آن شعاعی از ارزش و مطلوبیت کمال نهایی خواهد بود؛ به دیگر سخن، هدف نظام اقتصادی اسلام در دایره هدف نظام اخلاقی محدود می شود، بدین معنی که رفاه و آسایشی در حد مطلوب خواهد بود که در جهت تأمین سعادت ابدی و راهی برای وصول به کمال نهایی باشد. در مجموع، نظام اقتصاد اسلامی چهار شاخص اصلی دارد که عبارتند از:

الف) توزیع در نظام اسلامی به گونه ای است که انگیزه تولید را از افراد سلب نمی کند.

ب) تخصیص عوامل تولید به بهترین شکل انجام می پذیرد.

پ) با انواع محدودیت هایی که در توزیع وجود دارد از جمله شغل های حرام، معاملات باطل، لزوم پرداختت ها، دخالت های دولت و محدودیت زمانی، زمینه ای برای به وجود آمدن انحصار در بلند مدت پدید نمی آید تا امکان فعالیت را از دیگران سلب نماید.

ت) با قرار گرفتن نیاز به عنوان یکی از پایه‌های مالکیت، هیچ کس به واسطه ناتوانی و فقر از داشتن زندگی متناسب محروم نیست. (سبحانی، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۴ و مدرسی، ۱۳۶۳: ۱۲)

ث) در اقتصاد اسلامی، «جهان‌بینی اسلامی» اهداف و ارزش‌ها را تولید می‌کند و براساس آن‌ها قواعد اساسی که نشانگر روش اسلام در دستیابی به اهداف است، وضع می‌گردد. این قواعد نیز زیربنای الگوهای رفتاری و الگوهای روابط قرار می‌گیرند که به وسیله احکام حقوقی و اخلاقی تبیین شده‌اند. (رستم نژاد و حسینی، بی تا، ج: ۴: ۴۶ و یوسفی، ۱۳۷۹: ۱۰۲)

تحلیل الگوی ایده آل، به تبیین و تفسیر واقعیت اقتصادی جامعه در شرایط ایده آل اقتصاد اسلامی، یعنی شرایط اقتصادی که منجر به سوق دادن جامعه به سوی سعادت ابدی می‌شود، می‌پردازد و رابطه بین نهادها و متغیرهای اقتصادی را در این شرایط بررسی و تحلیل می‌کند. جامعه ایده آل را می‌توان به دو صورت تعریف کرد:

۱) جامعه‌ای که همه افراد آن، تمامی شرایط و شاخصه‌های انسان کامل را دارا هستند. چنین انسان‌هایی کوچک‌ترین امر و نهی شریعت را، حتی در حد استحباب و کراهت رعایت می‌کنند.

۲) جامعه‌ای که افراد، تنها ضروریات دین را رعایت می‌کنند. در این جامعه با وجود تقید کامل افراد در انجام واجبات و ترک محرمات شرعی، تأکیدی برای انجام موارد مستحب و ترک مکروهات وجود ندارد. به هر حال، هر دو این موارد، جوامع ایده آل اسلامی - البته در دو سطح مختلف - هستند که هیچ یک هم اکنون در دسترس نیستند؛ زیرا چون الگوی ایده آل در دسترس نیست، آزمون تجربی این نظریات، امکان پذیر نیست و صحت و سقم آنها، از طریق بحث‌های نظری صرف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تحلیل وضعیت موجود، نظریاتی که ارائه می‌شود، می‌تواند محک تجربی بخورد. از آنجا که دولت اسلامی با مشروعیت الهی، بر مردم حکومت می‌کند و وسیله‌ای برای هدایت جامعه به سوی کمال نهایی است، لازم است در

ترتیبات و سیاست‌های اقتصادی جامعه، رعایت مصالح و مفاسد واقعی مترتب بر این دخالت‌ها را مدنظر قرار دهد. بر این اساس، در الگوی ایده‌آل جامعه اسلامی - که عبارت است از جامعه‌ای که در آن تمامی افراد مؤمن هستند و امر و نهی‌های ضروری شریعت اسلامی، یعنی واجبات و محرمات- را رعایت می‌کنند - از عمده وظایف دولت و حاکمیت اسلامی، فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای فراگیر شدن قسط و عدل، بروز خلاقیت‌های گوناگون انسانی و هموار کردن مسیر فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی با ارائه‌ی فرصت‌های برابر و عادلانه، رفع تبعیضات ناروا و فراهم کردن امکانات لازم در هر مقطع و هر بخش است. این چیزی نیست جز تحقق نظام عادلانه اقتصادی در جامعه اسلامی. (سمیعی، ۱۳۸۸: ۱۷۴-۱۷۳)

بنابراین در یک جمع بندی می توان بیان داشت که وقتی بحث از اقتصاد مقاومتی می کنیم، تصور ما از اقتصاد، نوعی از اقتصاد است که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد و مقوله های مادی معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی خاص دنبال می کند. می توان گفت که اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست؛ زیرا از طرفی اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأمان دارد. علم اقتصاد حاصل مطالعات بشر و نیز تجربیات او در طول تاریخ است که تاریخ شامل حوادث و بحران‌ها هم بوده است. علم اقتصاد با تغییر شرایط بخصوص در شرایط بحران‌ها و شداید قابلیت انعطاف دارد و با تغییر الگوها و سیاست‌ها و... می تواند در مقابل بحران‌ها و حوادث و مشکلات اقتصادی تغییر روش داده و اصلاح برنامه کند و یا برنامه ریزی جدید نماید. در خود علم اقتصاد و برنامه ریزی اقتصادی مفهوم و عمل مقاومت به معنی بهینه یابی در هر شرایطی نهفته است. بخشی از این قابلیت انعطاف را گاهی فنریت اقتصادی گفته اند. این معنی که در اقتصادها این قابلیت وجود دارد تا آسیب‌های وارده بر اقتصاد ناشی از شوک‌ها را ترمیم و تا حدودی به حالت قبل برگرداند. حتی برخی این قابلیت را مورد سنجش قرار داده و اندازه گیری کرده اند. بخشی از این قابلیت و ظرفیت هم به اقدام و عمل برنامه ریزان و مدیران مربوط می شود که با برنامه ریزی و اصلاحات مداوم در آنها، می توانند آثار شرایط خاص را تعدیل نمایند.

از طرفی هم نظام اقتصاد اسلامی مبتنی بر مکتب اقتصادی است که خود برگرفته از مکتب الهی و ویژگی‌های آن است که مقاومت و استقامت برای دستیابی به اهداف بویژه در شدايد و بحران‌ها از دستورات و توصیه‌های موکد مکتبی است.

کسی که فلسفه حیات را بداند و بپرسد که از کجا آمده‌ام، و اعتقاد به «انالله و انالیه راجعون» داشته باشد، و بالاخره کسی که دستورات زندگی خود را از منابع وحیانی بگیرد، انسان مکتبی است و مکتب الهی، انسانی در جهت خدا و تکلیف‌گرا می‌سازد. این مسئله نیز خاص اقتصاد هم نیست و انسان مکتبی در تمام جوانب زندگی خویش برای رضای خدا عمل می‌کند. حال اگر این انسان به ابزار تکنیک و صنعت هم دست یافت و بهره گرفت، آن را در جهت اهداف مکتبی خویش بکار خواهد گرفت. علم اقتصاد یکی از این ابزارهاست و انسان الهی موظف است دنبال ابزارها برود. این انسان دیگر مأمور به نتیجه نیست بلکه مأمور به وظیفه و تکلیف است. (اسدی، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۱) یکی از وظایف و تکالیف برای امت اسلامی، استقامت و پایداری در مسیر ناملایمی‌ها و فشارهای همه جانبه دشمنان داخلی و بیرونی است.

اقتصاد از نظر آموزه‌های قرآنی قوام جامعه است (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۵۷-۱۴۱)؛ به این معنا که جامعه بشری با اقتصاد، برپا می‌ایستد؛ زیرا آنچه که مردمان را حتی در نهاد کوچکی چون خانواده دور هم گرد می‌آورد پاسخگویی به نیازهای آرامشی و آسایشی یعنی روحی و جسمی بشر است؛ چرا که انسان سعادت را در این دو اصل جست و جو و معنا می‌کند. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۱) خداوند درباره نقش اقتصاد در جامعه بشری می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا: اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به سفیهان و بی‌خردان مدهید.» (نساء/۵) در این آیه نیز خداوند اموال یعنی امر اقتصادی را به عنوان عامل قیام جامعه دانست است. پس نقشی که اقتصاد در جامعه ایفا می‌کند همانند ستون میانی خیمه است که خیمه را بر پا نگه می‌دارد و به آن معنا و مفهوم می‌بخشد؛ اگر اقتصاد جامعه از میان برود یا سست و ضعیف شود به همان میزان جامعه آسیب می‌بیند. از این آیه و آیات دیگر قرآنی می‌توان اهمیت اقتصاد را در زندگی بشر و نیز برپایی جامعه به دست

آورد. (نک: آل عمران/۱۳۹، نساء/۱۴۴ و ۱۴۱، مائده/۵۱ و ۵۲، فتح/۲۹) البته خداوند در آیاتی چون ۸۵ سوره اعراف و ۸۴ تا ۸۶ سوره هود تأمین سعادت واقعی انسان را در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی دانسته و در آیات متعدد دیگر، امور اقتصادی و معیشتی مردم را دارای جایگاهی مهم در حد مسائل اعتقادی و عبادی قرار داده است. از نظر قرآن اقتصاد تنها در حوزه امور مادی انسان و جامعه نقش ندارد، بلکه نقشی فراتر از آن می‌تواند برای اقتصاد تعریف کرد. از همین رو خداوند بر نقش بهره‌مندی‌های اقتصادی در امور معنوی و معنویت تأکید می‌کند. اصطلاح اقتصاد مقاومتی در برابر وضعیت جنگی تعریف شده است؛ یعنی زمانی که دشمنان از همه حربه‌ها برای به زانو در آوردن جامعه اسلامی بهره می‌گیرند و با تحریم اقتصادی و مانند آن می‌کوشند تا جامعه را تضعیف کرده و آن را شکست دهند. در حقیقت اقتصاد مقاومتی به اقتصادی گفته می‌شود که برای شرایط سخت جنگی و هجوم دشمنان به جامعه اسلامی سامان می‌یابد؛ اما اگر به دقت در مسئله اقتصادی و نقش کلیدی آن در جامعه توجه شود، روشن می‌شود که جامعه باید شرایط اقتصاد مقاومتی را در برنامه داشته باشد؛ زیرا همان طوری که قوام جامعه به اقتصاد است، اقتصادی می‌تواند پایدار و شکوفا و پویا باشد که از عنصر اقتصاد مقاومتی برخوردار باشد و تحت تأثیر شرایط سخت طبیعی و یا غیرطبیعی چون جنگ و تحریم و مانند آنها بتواند برقرار باشد و نقش قوام‌بخشی خود را ایفا کند. به بیانی دیگر، بر اساس آموزه‌های قرآنی، اقتصاد جامعه باید بر عنصر اقتصاد مقاومتی شکل گیرد تا هم از نظر درونی قوام‌بخش باشد و هم از نظر بیرونی بتواند در برابر فشارهای گوناگونی چون خشکسالی، زلزله، جنگ و تحریم مقاومت داشته باشد. (کرم‌لو، ۱۳۹۳: ۸)

آیات قرآن از انسان‌ها می‌خواهد تا مسئولیت خویش را به عنوان خلیفه الهی در زمین با آبادانی زمین که همان فعالیت‌های اقتصادی است (هود/۶۱)، به درستی انجام دهند؛ زیرا با این روش است که انسان می‌تواند به کمال خویش دست یابد و به عنوان انسان کامل به بهشت برین درآید و همان طوری که ایمان به عنوان عمل صالح در آموزه‌های قرآنی عامل ورود به بهشت معرفی شده، اعمال اقتصادی چون انفاق، احسان مالی، اکرام مالی، اطعام، صدقه، قرض الحسنه و مانند آنها به عنوان عمل صالح نیز عامل اصلی ورود به بهشت دانسته شده است؛ در

حقیقت دو بال پرواز بشر، عمل صالح ایمانی و عمل صالح در قالب عبادی و اقتصادی است که انسان را به سعادت ابدی می‌رساند. بنابراین، بر اساس آیات قرآنی داشتن اقتصاد مقاومتی همانند اقتصاد قوام‌بخش، ضروری و لازم جامعه اسلامی است. جامعه اسلامی نه تنها باید دارای اقتصادی سالم و شکوفا و قوام‌بخش باشد، بلکه باید دارای اقتصاد مقاومتی باشد که آن را از دشمنان حفظ کرده و اجازه ندهد تا جامعه در برابر دشمنان خوار شود.

قرآن بر ضرورت اقتصاد مقاومتی به اشکال گوناگون تأکید کرده است و از جمله مهم‌ترین آیاتی که می‌تواند این وجوب و ضرورت را بیان کند، آیه ۲۸ سوره توبه است. خداوند در این آیه نه تنها نیازمندی اقتصادی جامعه اسلامی را عامل وابستگی جامعه و ذلت و خواری آن می‌داند بلکه قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان را مورد تشویق قرار داده و نسبت به کسانی که نگران اختلال نظام اقتصادی خود پس از قطع رابطه با مشرکان و دشمنان هستند، یادآور می‌شود که چنین امری نه تنها اختلالی بوجود نمی‌آورد بلکه باعث رونق اقتصادی و شکوفایی آن شده و رشد و پیشرفت اقتصاد ملی را سبب خواهد شد. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِن خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حقیقت این است که مشرکان ناپاکند، پس نباید از سال آینده به مسجدالحرام نزدیک شوند، و اگر در این قطع رابطه - از فقر بیمناک هستید، به زودی خدا، اگر بخواهد، شما را با فضل خویش بی‌نیاز می‌گرداند، که خدا، دانای حکیم است.» (بقره/۲۸) در حقیقت برخی از دولتمردان امروز نگران آن هستند که عدم ارتباط با غربی‌ها که دشمنان کشور و امت‌های اسلامی هستند، می‌تواند موجب فقر اقتصادی جامعه اسلامی شده و مردم از نظر اقتصادی با مشکل مواجه شوند. در حالی که آیه می‌فرماید پیش از آنکه دشمنان شما تهدید به تحریم کنند یا شما را تحریم نمایند، شما پیشگام شوید و آنان را تحریم کنید تا با خوداتکایی و توکل به خداوند از فضل الهی بهره‌مند شوید و این‌گونه، هدف‌های متعالی که همان غنای اقتصادی و استقلال است، فراهم می‌آید. (کرم‌لو، ۱۳۹۳: ۸)

با این اوصاف در یک جمع بندی می توان بیان کرد که اقتصاد مقاومتی الگویی الهام گیرنده از نظام اقتصادی اسلام و برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است (نوراحمدی، ۱۳۹۳: ۳۳۲) و به تعبیر نگارنده مقاله "رابطه اقتصاد مقاومتی با علم اقتصاد اسلامی"؛ اقتصاد مقاومتی یک راهبرد درازمدت در مدیریت اقتصاد کشور و طراحی الگو و رژیم برای مقاوم سازی درونی اقتصاد، تعالی و پیشرفت جامعه بر مبنای اصول اقتصاد اسلامی است. به طوری که اقتصاد کشور قادر باشد در برابر هجمه و تزریق زهر عوامل اقتصادی و غیراقتصادی بیرونی و داخلی با انعطاف پذیری زیاد واکنش نشان داده و در درون خود همانند یک سامانه موجود زنده پادزهر لازم را تولید و عوارض را با موفقیت پشت سر گذاشته و بالندگی لازم و آمادگی بیشتری نیز در برابر آسیب زندگان بعدی پیدا کند. مثلاً به عنوان یکی از ارکان، حفظ صیانت جامعه مؤمنین و مسلمین در مکتب اسلام و اهل بیت (ع) یک اصل ثابت است. در الگوی اقتصاد اسلامی نیز بر اساس موازین مکتبی حفظ و صیانت مسلمین و مؤمنین در برابر عوامل بیرونی و داخلی هدف گذاری می شود. الگوی اقتصاد اسلامی در چارچوب مبانی مکتبی طراحی می شود و لذا اقتصاد مقاومتی یک الگوی فارغ از مکتب و الگوی اقتصاد اسلامی برای کشور نیست بلکه الگوی اقتصاد مقاومتی یک زیر مجموعه از الگوی اقتصاد اسلامی است. استقرار یک نظام آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد اسلامی با کمک منابع فقهی است (ر.ک: تازی و کاویانی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین در این نظام نیز اهداف شناخت، تبیین و تدوین مقاوم سازی اقتصاد که در واقع جزء مراحل اولیه شکل گیری یک نظام حی و بالنده و مولد برکت یعنی اقتصاد اسلامی است خود به خود محقق می شود. مبانی اقتصاد مقاومتی براساس مبانی اقتصاد اسلامی و شرایط بومی کشور تعریف می شود؛ چراکه اولاً این الگو در یک جامعه اسلامی و با ویژگی منحصر به فرد حاکمیت اسلامی (ولایت فقهی عادل) براساس مبانی فقهی اصیل اسلامی مطرح شده است و نه براساس اقتصاد سنتی و متعارف منسوخ شده غرب و نظام سرمایه داری. ثانیاً این الگو باید با زیست بوم کشور تطبیق داشته باشد. در این الگو، شاخص ها باید به گونه ای طراحی شود که در عرصه بین المللی و در کشاکش با اقتصاد جهانی بیش از تأثیرپذیری، تأثیرگذار باشد ولی نباید از آن آسیب ببیند. از اهداف استقرار و نهادینه سازی علم اقتصاد

اسلامی نیز تحقیق، تعلیم و تعلم این مبانی در داخل نظام آموزشی و پژوهشی اقتصاد اسلامی می‌باشد و نیازی به جعل و تزریق از بیرون در درون پیکره علم اقتصاد اسلامی نیست. این علم ذاتاً برای حصول به تعالی توأمان مادی و معنوی انسان به وجود آمده است و همانگونه که گفته شد، مقاوم سازی جامعه مؤمنین حکم صریح و اولیه استقرار یک نظام اسلامی است. (شیخی، ۱۳۹۳: ۳۳۶-۳۳۵)

مدخلی بر معنا و مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران

به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ «اقتصاد مقاومتی برای کشور ضروری است؛ تحریم باشد هم لازم است، تحریم نباشد هم لازم است. آن روزی که تحریمی هم در این کشور وجود نداشته باشد، اقتصاد مقاومتی برای این کشور ضروری است، لازم است. اقتصاد مقاومتی یعنی ما بنای اقتصادی کشور را جوری تنظیم کنیم و ترتیب بدهیم که تکانه‌های جهانی در آن اثر نگذارد.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹) باید اذعان داشت اقتصاد اسلامی از بدو شکل‌گیری تاکنون در سه مسیر مجزا توسعه یافته است. مسیر اول به نظام اقتصادی اسلام اهتمام داشته است و اقتصاد اسلامی را به عنوان یک نظام سیاسی اجتماعی مبتنی بر جهان بینی الهی که در تضاد با نظام های مادی سوسیالیسم و سرمایه داری قرار دارد در نظر گرفته است. مسیر دوم به فرآیند اسلامی سازی اقتصاد متعارف توجه داشته است؛ این نگرش پوزیتیویستی به اقتصاد با پذیرش جهانشمولی اقتصاد متعارف صرفاً با اعمال تغییراتی صوری از قبیل اصطلاحات (سود و بهره و غیره) اقدام به اسلامی سازی نظریات غربی نموده است. مسیر سوم به دنبال پی ریزی یک رویکرد جدید فلسفی و بنیاداً متفاوت با دانش اقتصادی غرب بوده است و با ظهور انقلاب مبتنی بر اسلام و شکل‌گیری حکومت دینی برآمده از گفتمان تمدن ایرانی- اسلامی احیا شد و ایران اسلامی، در عمل به احیاگر فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی تبدیل گردید. نکته قابل ذکر آن است که کشورمان وارث اسلام ناب محمدی و تمدن اصیل ایرانیست؛ و باید راه اعتلای تمدن ایرانی - اسلامی در آینده را فراهم نماید. و چنین حرکتی نیازمند یک سری ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... است. بنابراین رویکرد کلی کشور الزاماً در کنار

حفظ باورهای دینی و توجه به دیرینه باستانی و اسلامی، باید توسعه علمی، پژوهشی و مهندسی دانش بنیان را محقق سازد. (قلاوند، ۱۳۹۳ و پورفرج و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۸-۱۳) در همین راستا، اقتصاد مقاومتی گامی در این جهت می باشد و ضمن توجه به پیشرفت همه جانبه، بر مؤلفه های اسلامی و ایرانی توجه داشته و گامی مؤثر در تحقق آنها محسوب می گردد.

اصطلاح اقتصاد مقاومتی برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور مطرح شد و پس از آن نیز در سخنرانی های متعددی مورد تأکید ایشان قرار گرفت (معاونت طرح و برنامه، ۱۳۹۳: ۱ و عربی، ۱۳۹۲: ۱۱) و به اعتقاد ایشان، یکی از بهترین راه های گذر از مسائل اداری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، تلاش برای نظریه پردازی پیرامون اقتصاد مقاومتی و برنامه ریزی برای عملیاتی ساختن آن است. (اجمدی مقدم و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۸ و عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۱۹۴-۱۹۲)

اقتصاد مقاومتی به معنای آمادگی روحی و عملی برای مقاومت در برابر حملات اقتصادی دشمن و پاسخ به آن در کوتاه مدت و حرکت به سمت طراحی الگوی اقتصادی اسلامی در چهارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در درازمدت است. اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه یک چشم انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است؛ زیرا اقتصاد ایران در سایه تفکر جمهوری اسلامی همیشه آماج حملات دشمنان خواهد بود. اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، بلکه مفهوم شکوفایی اقتصاد و رفع مشکلات موجود در زیربخش های اقتصادی برای جلوگیری از امتیازدهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه عموم مردم است. با همین نگرش، حوزه موضوعی اقتصاد مقاومتی بسیار گسترده است. البته اهمیت همه موضوعات به یک میزان نخواهد بود و حداقل در سه سطح مسائل بنیادی (بیان کننده چارچوب و زیربنای موضوع)، موضوعات راهبردی (بیان کننده و تبیین کننده موضوعات این حوزه) و مسائل کاربردی و روبنایی طرح می شود.

از نگاه مقام معظم رهبری، در اقتصاد مقاومتی، اهداف اقتصادی مهم ترین عنصر در جهت دهی فعالیت ها می باشند و کلیه عوامل اقتصادی باید در راستای تحقق این اهداف حرکت کنند. تحقق

عدالت اجتماعی، کسب اقتدار بین‌المللی و بقای کشور، اثبات عملی کارآمدی نظام دینی و اسلامی، مرجعیت بین‌المللی و... مهم‌ترین اهداف در اقتصاد مقاومتی به شمار می‌روند. کسب موفقیت در این اهداف علاوه بر اینکه به صورت مستقیم تحت تأثیر بازننگری در نظام اولویت‌گذاری و نیز سیستم مدیریت اقتصادی است، به صورت غیرمستقیم و به شدت تحت تأثیر زیرساخت‌هایی است که باید قبل از برنامه‌ریزی به آنها توجه داشت. این زیرساخت‌ها لزوماً به بخش اقتصاد باز نمی‌گردند و حتی جنبه فرهنگی و سیاسی دارند. اما به علت تأثیر فراوانی که بر بخش اقتصاد کشور دارند، حائز اهمیت هستند. از سوی دیگر باید توجه داشت که تحقق اهداف اقتصادی که اهدافی بلندمدت هستند، نیازمند دکترین‌ها و راهبردهای کلانی می‌باشند که چتر فکری خود را بر فرآیند تحقق هدف قرار داده و نحوه تحقق آن را در چارچوبی خاص پیش برد. قطع وابستگی به نفت، جنگ نامتقارن اقتصادی و غیره از جمله این دکترین‌ها می‌باشند. با این اوصاف، اقتصاد مقاومتی طراحی و مدل‌سازی ویژه‌ای از شرایط و سازوکارهای اقتصادی است که مبتنی بر آن، فضای اقتصادی کشور مبتنی بر فرض وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها، به صورت فعال و نه منفعل، طراحی می‌شود. اقتصاد مقاومتی بنیانی نظری برای مدل‌سازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعلاً خود را برای مواجهه با تحریم‌های بیش از پیش آماده ساخته است. مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای و غیره در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش‌فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود. در چنین فضایی، تحریم‌های اقتصادی نه تهدید، بلکه فرصت ویژه‌ای هستند که زیر فشار آنها می‌توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده‌سازی آنها را تسریع کرد.

البته باید به این نکته توجه نمود که الگوی مقاومتی، چتر مفهومی کلانی است که در حوزه اقتصاد، به «اقتصاد مقاومتی» می‌انجامد؛ در حوزه فرهنگ به «فرهنگ مقاومتی»؛ در حوزه سیاست خارجی، به «دیپلماسی مقاومتی» و غیره. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، تلاش برای طراحی و مدل‌سازی الگوی مقاومتی در حوزه اقتصاد، راهبرد مهمی است که اقتصاد مقاومتی به دنبال تحقق آن است. در این رویکرد، کسب ثروت و درآمد ملی از مسیرهایی دنبال می‌شود

که قدرت چانه‌زنی کشور در فضای سیاسی بین‌المللی را تقویت می‌کند. نه آنکه کشور ناگزیر باشد به دلیل مسائل اقتصادی از اهداف ایدئولوژیک خود در فضای سیاسی دست بکشد. بنابراین، «طراحی یک الگوی مشخص از شیوه زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم» (فیض پور و رضایی، ۱۳۹۲) امری ضروری است. در این زمینه ابتدا باید دولت را در سبک اداره امور و سپس مردم را به سبک زندگی متناسب با انقلاب تشویق و تأیید کرد تا بدین وسیله سبک زندگی متناسب با مقتضیات انقلاب را در جامعه گسترش دهیم. توجه به معنویت دینی در این سبک زندگی بسیار مهم و کلیدی است؛ چراکه اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است. این امر باید در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اقتصادی متناسب با مقاومت اقتصادی و جهاد اقتصادی، تبیین و طراحی و سپس اجرا گردد. (تراب زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۴-۳۴)

مفهوم مقاومت در ترکیب اقتصاد مقاومتی

گفتمان مقاومت مبحث احیاء و اقتدار اندیشه ای است که در فطرت انسان ها جای دارد، به همین دلیل، صاحبان اندیشه مقاومت از قدرت فوق العاده ای برخوردارند؛ البته نه این که اندیشه مقاومت در طول تاریخ وجود نداشته است بلکه اندیشه هایی که مبتنی بر اندیشه شیعه عاشورایی باشد و تجربه مقاومت و ایستادگی حکومت مردم سالاری دینی ایران را داشته باشد، وجود نداشته است. با این اوصاف، مقاومت تکیه گاهی مردمی دارد و مبتنی بر ایدئولوژی شکل می گیرد؛ بنابراین اهدافی مقدس را دنبال می کند. (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۷۵-۱۷۴) از منظری دیگر، استقامت، مقاومت و پایداری نیز اصلی راهبردی و برگرفته از قرآن کریم، سنت و سیره پیامبران و امامان معصوم است (قبادی، ۱۳۹۲: ۳۳-۱۴ و نک: مطهری، ۱۳۸۵، جلد ۶: ۱۲۰-۱۰۳) که مؤمنان به صورت فردی و گروهی، از آن بهره می برند تا در پرتو آن و امداد و نصرت الهی بر هواهای نفسانی، جاذبه های دنیا، فشارها و نقشه های دشمنان داخلی و خارجی به موفقیت دست یابند. در طول تاریخ، هرگاه امت ها در مبارزه حق طلبانه با دشمنان، مقاومت ورزیده اند، موفق گشته و هرگاه گامی عقب نهادند، دشمن یک گام پیش رانده است و نتیجه ای جز

پذیرش ذلت برای اهل حق در پی نداشته است. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیروزی امت‌های استقامت‌کننده عوامل معنوی و انگیزه‌های الهی و دینی بوده است که عبارتند از؛ ایمان، توکل به خدا، اتحاد و همبستگی، رهبری، ولایت‌مداری، شناخت و بصیرت. اگر جامعه ایرانی در این مسیر و برای تحقق این عوامل قدم برداشت، قطعاً در برابر دشمنان استقامت و پایداری می‌کند و موفقیت نیز حتمی خواهد بود. (زمانی محبوب، ۱۳۹۳: ۹۷)

بحث از مقاومت نیز با توجه به رویدادهای خارجی، نشان‌دهنده این است که تهاجمی در حال صورت گرفتن است و باید در مقابل آن تهاجمات مقاومت کرد. (گروه مطالعات راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۳) به نظر می‌رسد یکی از مصادیق عمده این تهاجم اقتصادی علیه کشور ایران، تحریم‌های ظالمانه‌ای است که کشورهای اروپایی و آمریکا در جهت تحمیل خواسته‌های خود علیه ملت و جمهوری اسلامی صورت می‌دهند، به این امید که بتوانند ضربه‌ای به اقتصاد کشور وارد بکنند. مقاومت در قبال محدودیت‌هایی که علیه اقتصاد ایران صورت گرفته است، طبیعتاً می‌تواند توطئه‌ها را خنثی کند و باید با مقاومت، تلاش مضاعف و قبول مشکلاتی که از ناحیه این مسئله متوجه کشور ایران شده است، به نقاط آسیب‌پذیری بپردازیم که دشمنان گمان می‌کنند که می‌توانند از ناحیه آن به ما صدمه وارد کنند. (رحمانی، ۱۳۹۱: ۱۵) باید به این نکته کلیدی در عرصه روابط اقتصاد بین‌الملل اشاره نمود که هدف نهایی استکبار از سلطه بر مردم، بهره‌کشی و استثمار و استفاده از منابع آن‌هاست و برای وابسته کردن ملت‌ها از راه‌هایی مختلف و پیچیده استفاده می‌کند. چنان‌که یک شخص ثروتمند و مترف، برای استخدام و حاکمیت بر افراد جامعه می‌کوشد تا آنان را از نظر مالی و اقتصادی به خود وابسته کند، مستکبران بین‌المللی نیز می‌کوشند تا ملل فقیر و محروم را به خود نیازمند سازند به خصوص آن‌که قطع وابستگی اقتصادی، به مراتب دشوارتر از قطع وابستگی سیاسی است. چه بسا که ملتی خود را از وابستگی سیاسی نجات دهد، اما وابستگی اقتصادی به تدریج، برای مرتبه دیگر او را به کام مستکبران کشاند. انحصاری کردن بازارهای دنیا به ویژه در کالاها و محصولات اساسی که مردم در زندگی روزانه بدان نیازمندند، از سوی مستکبران عالم، با همین هدف انجام می‌گیرد.

نیازمندی به دیگران، نه تنها عزت و کرامت انسان را متزلزل می‌کند، بلکه در نهایت او را برده دیگران می‌سازد. با این اوصاف؛ مستکبران برای به خدمت گرفتن توده مردم و تحمیل سلطه جابرانه خود بر آنان، از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند که از جمله فقیر و نیازمند نگاه داشتن آنان است. هنگامی که مستضعفان در تنگنای اقتصادی قرار گیرند، طبیعی است که توان مبارزه را از دست خواهند داد و وقت و اندیشه آنان به امرار معاش مشغول خواهد شد و دیگر فرصت تفکر درباره وضع موجود و بررسی راه‌های مبارزه و اقدام نخواهند داشت. قرآن، از زبان مستکبران منافقی که خود را در ردیف یاران رسول خدا (ص) جای داده بودند، نقل می‌فرماید: «لَا تُنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتّٰی يَنْفُضُوا: به یاران و اطرافیان پیامبر انفاق نکنید تا پراکنده گردند.» بنابراین، یک راه کار مبارزاتی، تأمین اقتصادی و مادی جامعه و مسلمانان است تا فقر، آنان را مجبور به سر خم کردن نزد مستکبران نکند و از مبارزه، به خود مشغول نگردند. در این میان، اگر ملتی قانع باشد و به آنچه خود دارد، اکتفا کند و در جهت پیشرفت اقتصادی و استقلال اقتصادی گام بردارد، هیچ گاه مستکبران نمی‌توانند آنان را به خضوع در پیشگاه خود وا دارند. در جهان امروز، مستکبران استعمارگر از راه‌های زیر برای وابسته ساختن ملت‌ها سود می‌جویند: تک محصولی کردن اقتصاد کشورهای کوچک؛ از بین بردن اقتصاد ملی و سنتی؛ تشکیل انحصارات بین‌المللی و قبضه کردن بازارهای دنیا؛ تاراج منابع و ذخایر؛ وام دادن و بدهکار کردن کشورها. راه مبارزه با استکبار در این زمینه، جلوگیری از سقوط در این دام هاست و البته، موفقیت در همه زمینه‌ها و از جمله در این زمینه؛ جهاد و مقاومت، شکیبایی، پشتکار و استقامت همگانی می‌طلبد. (سروش، بی تا: ۱۱۸-۱۱۷) با این عملکرد اقتصادی غرب و نظام سلطه علیه جوامع دیگر، شاخص «مقاومت اقتصادی» (خلیلی، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۴) شاخصی است که بر مبنای آن قدرت مقاومت سنجیده می‌شود. این شاخص در زمان حاضر در جهان اهمیت بسیار یافته است و کشورهای مختلف تلاش می‌کنند که برای شناسایی توان مقاومت خود، این شاخص را مبنا قرار دهند. مظهر مقاومت در اصطلاح، درختی است که شاخ و برگ آن در برابر طوفان خم و راست می‌شود ولی درخت استوار و پابرجا باقی می‌ماند و همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد. قدرت مقابله با چالش‌ها سبب می‌شود که درخت آسیب‌پذیری کمی

داشته باشد و نابود کردن آن به سادگی ممکن نشود. با این اوصاف، در جریان مقاومت، اقتصاد ممکن است زیر و بالا داشته باشد، ولی همچنان قدرتمند باقی می ماند و می تواند وضعیت خود را ثبات ببخشد. (کمیسیون اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲: ۱۴۲)

معناشناسی اقتصاد مقاومتی

این مفهوم با جهت گیری مقاومتی خود برای عبور از سیاست های خصمانه دشمنان و پی گیری پیشرفت های دانشی با استفاده از قابلیت های کارآفرینی و تمرکز زدایی از فعالیت های دولتی طرح گردیده است. مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی چنین می فرماید: «اقتصاد مقاومتی یعنی ما اگر به نیروی داخلی، به ابتکار جوانها، به فعالیت ذهنها و بازوها در داخل، تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و منت دشمنان خارجی، خودمان را رها خواهیم کرد؛ راه درست این است. معنای اقتصاد مقاومتی این است که ما نگاه کنیم، ظرفیت های بی پایانی را که در داخل هست جستجو کنیم، شناسایی کنیم، با برنامه ریزی درست و صحیح این ظرفیتها را فعال کنیم، این استعدادها به کار گرفته بشوند... ظرفیتهای اقتصادی باید فعال بشود؛ این راه پیشرفت کشور است. آن وقت کشور، هم از لحاظ مادی و اقتصادی، هم از لحاظ اعتبار بین المللی، هم از لحاظ عزت ملی و اعتماد به نفس ملت ایران، و هم از لحاظ معنوی و اخلاقی و روحی پیشرفت خواهد کرد.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۰۲/۲۳)

در برداشتی مفهومی از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد را رویکردی فعال در اقتصاد می دانند که منجر به کاهش آسیب پذیری و افزایش پیشرفت اقتصاد یک کشور می شود (گویا، ۱۳۹۳) و در سطح داخلی نیز بر مبنای تولید مدبرانه، توزیع عادلانه و مصرف بدون اسراف بنیان نهاده شده است. در همین راستا، جامعه‌ی پایدار و اقتصاد سالم و مقاوم، وابسته به تعاون و بهره‌گیری از توان نیروهای مختلف انسانی است و اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای اسلامی نیز نیازمند چنین سرمایه عظیمی است و شهید بهشتی در خصوص اهمیت داشتن هدف و خط مشی مشترک در کار دسته جمعی و تعاون چنین می فرماید که: «افرادی که می خواهند با هم کار مشترکی انجام دهند، باید هدفشان از آن کار

کاملاً روشن باشد. خود بدانند که چه می خواهند و از تلاش های خود چه منظوری دارند و با بینش کامل و با ایمان و علاقه، هدف را تعقیب کنند و گرنه اگر هدف مشخص و یکسان نباشد در جریان عمل، هر کس به راهی می رود تا نظر شخصی خود را تأمین نماید و پراکندگی و از هم گسیختگی به وجود می آید.» (بهشتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۳۱) بر اساس چنین بینشی می توان اقتصاد مقاومتی را یک استراتژی اقتصادی دانست که مبتنی بر استعانت از تمامی سرمایه های انسانی است که در سایه تلاش و اهداف مشترک تحقق می یابد.

بر اساس تحقیقات لینو بریگوگلیو^۱ و همکارانش مقاومت اقتصادی به گونه های مختلفی تعریف شده است اما تعریف مورد آنها عبارتست از توانایی بهبود، ترمیم یا تعدیل اثرات منفی ناشی از شوک های اقتصادی بیرونی. توجه به ساختار مقاومت اقتصادی هر کشور، برای تأمین منافع و استقلال آن کاملاً ضروری است و بررسی مفهوم مقاومت در اقتصاد نشان خواهد داد که چرا برخی از کشورهای آسیب پذیر، علی رغم چالش های پیش رو به سطح بالایی از تولید سرانه ناخالص داخلی دست یافته اند، در حالی که برخی دیگر به شدت از شوک ها و تحولات خارجی تأثیر می پذیرند و اقتصاد پرنوسانی را تجربه می کنند. بررسی این مفهوم همچنین این پیام را با خود دارد که کشورهای آسیب پذیر نباید این ضعف خود را انکار نمایند بلکه باید با اتخاذ سیاست های صحیح، توانایی خود را در مواجهه با تحولات نامطلوب بیرونی بهبود بخشند. در ادبیات اقتصادی نیز مفهوم مقاومت، حداقل به شکل سه توانایی مرتبط با اقتصاد، تعبیر و تفسیر شده است: توانایی اقتصاد برای ترمیم و بهبود سریع اثرات شوک های بیرونی، توانایی مقاومت در برابر شوک ها و توانایی یک اقتصاد برای جلوگیری از بروز شوک که در ادامه به این مؤلفه ها اشاره خواهیم کرد.

الف) توانایی اقتصاد برای ترمیم و بهبود سریع اثرات شوک های بیرونی: این قابلیت با انعطاف پذیری یک اقتصاد در هم گره خورده است، به گونه ای که این توانمندی را ایجاد می نماید تا پس از هر شوک منفی، آن اقتصاد بتواند به سرعت خود را بازیابی نماید. اگر در یک اقتصاد، چالش های جدی وجود داشته باشد مثلاً کشور با کسری بودجه قابل توجه یا نرخ بیکاری بالا روبرو باشد

۱.- Lino Briguglio

این قابلیت به شدت محدود خواهد شد. در سمت دیگر، این توانایی زمانی افزایش می‌یابد که یک اقتصاد، ابزارهای سیاستی انقباضی و احتیاطی در اختیار داشته باشد تا هر زمان که نیاز بود با استفاده از این ابزارها، زخم‌های ناشی از شوک‌های منفی و تحولات نامطلوب بیرونی را التیام بخشد. به عنوان نمونه دولت‌های موفق در این زمینه می‌توانند از سیاست تنظیم مخارج خود یا تغییر نرخ مالیاتی در جهت تعدیل اثرات نامطلوب وارد شده بر اقتصاد بهره‌گیرند. این ویژگی مقاومت اقتصادی را می‌توان «عمل متقابل در مقابل شوک» دانست.

ب) توانایی مقاومت در برابر شوک‌ها: این نگاه به مقاومت اقتصادی، بیان می‌دارد که اثرات منفی یک شوک می‌تواند توسط اقتصاد هضم شده یا خنثی گردد بنابراین اثر نهایی یک شوک می‌تواند صفر یا قابل چشم‌پوشی باشد. این نوع از مقاومت اقتصادی زمانی به وقوع می‌پیوندد که اقتصاد، دارای مکانیسمی می‌باشد که به شکل درونزا به شوک‌های منفی واکنش نشان داده و آثار آنها را کاهش دهد. می‌توان این جنبه از مقاومت اقتصادی را «توانایی هضم شوک‌ها» نام گذارد. برای مثال وجود نیروی کار چندمهارتی و انعطاف‌پذیر می‌تواند به عنوان یک ابزار هضم شوک‌ها به حساب آید، زیرا در شرایطی که یکی از بخش‌های اقتصاد به دلایل بیرونی دچار رکود تقاضا گردد نیروی انسانی به سادگی می‌تواند جذب بخش دیگری شود که دارای تقاضای بالاتری است.

ج) توانایی یک اقتصاد برای جلوگیری از بروز شوک: این نوع از مقاومت جزو خصلت‌های ذاتی یک اقتصاد شمرده شده است که با بحث آسیب‌پذیری اقتصاد ارتباط مستقیمی دارد. (Briguglio and et.al, 2008: 5-6) البته مقاومت را می‌توان یکی از بخش‌های اقتصاد مقاومتی برشمرد اما این استراتژی چیزی فراتر از مقاومت اقتصادی است که به آن اشاره خواهد شد. بر اساس نظرات نگارندگان مقاله «تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر توسعه اقتصادی ایران»، اقتصاد مقاومتی انگاره‌ای است که یکی از اهداف آن، جلوگیری از وابستگی اقتصادی کشور به نفت می‌باشد تا اینکه غرب نتواند از این ضعف استفاده کند و به منافع جمهوری اسلامی ایران ضربه بزند. در واقع، اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که

هماهنگ با سیاست های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم ها و توطئه های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه ای و جهانی حفظ کند. بنابراین، اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد؛ به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند. (آجیلی، ۱۳۹۲: ۹۲) در عین حال، این نوع اقتصاد در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد. (آجیلی و کشاورز، ۱۳۹۲: ۸۲)

دانش جعفری و کریمی (۱۳۹۴) اعتقاد دارند که مفهوم اجرایی اقتصاد مقاومتی به معنای ایجاد نهاد مناسب (مجموعه ای از سیاست ها، قوانین و تدابیر اجرایی) جهت به حداقل رساندن خطرپذیری (ریسک) اقتصاد ایران در برابر تکانه ها و اختلال های آسیب زنده داخلی و خارجی، بویژه تحریم های بین المللی است تا زمینه را برای دستیابی ایران به پیشرفت های پایدار اقتصادی فراهم نماید که قلمرو آن شامل موارد ذیل است: شناسایی حوزه های خطرپذیر اقتصاد ایران، پیدا کردن راهکارهای کاهش خطرپذیری ها و همچنین کنترل و مدیریت آن، خروج از حوزه هایی که میزان خطرپذیری و احتمال آسیب در آن بالاست و مقاوم سازی اقتصاد در برابر خطرپذیری های موجود. عوامل متعددی را در شکل گیری مقاومت مؤثر می دانند که مهم ترین آنها ساختار اقتصاد، میزان انعطاف پذیری و پیش بینی تدابیر لازم برای مواجهه با شوک های ناگهانی، تنوع در صادرات کشورها و عدم وابستگی به یک کالای خاص، درس گرفتن از تجارب گذشته، حکمروایی مؤثر^۱ و اجرای سیاست های مناسب اقتصادی، افزایش مشارکت در مواقع بحران، ایجاد ذخایر استراتژیک برای آمادگی مواجهه با شوک ناگهانی، داشتن زیربنای

۱. Effective Governance

مناسب، آموزش مقاومت فردی در سطح جامعه و طراحی شبکه‌ای سیستم برای جلوگیری از کار افتادن یک جزء از سیستم، می‌باشند. (دانش جعفری و کریمی، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۹)

در مقاله «اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی» اذعان شده است اقتصاد مقاومتی به معنای تشخیص حوزه‌های فشار (در وضعیت تحریم) و کوشش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن، و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. اقتصاد مقاومتی در راستای کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است. در واقع هدف اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کند. از این رو، اقتصاد مقاومتی را می‌توان در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. در حقیقت، اقتصاد مقاومتی در پی آفندشناسی و پدافندشناسی در برابر هجمه‌هاست. این رویکرد، به دنبال یافتن اقتصاد ایدئالی است که هم اسلامی باشد و هم کشور ایران را به جایگاه نخست منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد، و زمینه‌ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. (حسنی و دهنری، ۱۳۹۳: ۱۶۷) با این اوصاف، اقتصاد مقاومتی نهضتی خردمندانه است که با شناسایی ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و بسیج امکانات به سوی مقاوم‌سازی اقتصادی کشور جریان می‌یابد (موحدیان، ۱۳۹۳: ۱۶)

عبدالحسین طیب در کتاب «طیب البیان فی تفسیر القرآن» چنین بیان می‌دارد که: «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ: اقتصاد به معنی استوی و استقامت است مأخوذ از قصد یعنی سیر در مقصود اصلی که راه مستقیم و صراط مستوی خالی از افراط نصاری و غلو در امر عیسی و تفریط یهود و نسبت‌های ناروا بانبیاء دادن.» (طیب، ۱۳۷۸، جلد ۴: ۴۲۱) لاجرم اگر نظام حاکم بر اقتصاد جامعه، نظام تقوا و درستی و پاکی و تعاون و همکاری و انفاق باشد بدون شک چنین جامعه‌ای نیرومند و سربلند خواهد شد، اما اگر به عکس نظام استثمار و تقلب و چپاول و تجاوز و فراموش کردن دیگران باشد چنین جامعه‌ای از نظر اقتصادی نیز عقب‌مانده خواهد بود، و رشته زندگی مادی آنها نیز متلاشی می‌گردد. لذا در روایات اسلامی، فوق‌العاده به مسأله تلاش و کوشش توأم با تقوا برای کسب

روزی اهمیت داده شده است، تا آنجا که امام صادق (ع) می‌فرماید: لا تکسلوا فی طلب معاشکم فان آباءنا کانوا یرکضون فیها و یطلبونها: در تحصیل روزی تنبلی نکنید زیرا پدران ما در این راه می‌دویدند و آن را طلب می‌کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، جلد ۱۱: ۳۱۸-۳۱۷)

موفقیت اقتصاد مقاومتی در پرتو پیروی از فرامین و ارشادات ولی فقیه می‌باشد و در تفسیر نور این گونه بیان شده است که «امنیت، اقتصاد و رفاه، اگر با پیروی از رهبر معصوم همراه نباشد زمینه‌ی فساد خواهد شد: آمِنِینَ، جَنَّاتٍ، عِیُونٍ، زُرُوعٍ، بُیُوتًا، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ» (قرآنی، ۱۳۸۳، جلد ۶: ۳۵۵) در همین راستا، علی اکبر قرشی در «تفسیر احسن الحدیث» با بیانی رسا چنین بیان می‌کند که: «یکی از گرفتاری‌های جهان اسلام آن است که بزرگان ممالک اسلامی همه تربیت شده اروپا و امریکا هستند، همه شستشوی مغزی شده، صدیق و حامی کفار و تابع نظرات و مجری دستور آنها می‌باشند، آنها بر خلاف دستور قرآن کفار را برای خود حامی و مشاور گرفته و سبب بدبختی مسلمانان گردیده‌اند، از طرف دیگر در ممالک اسلامی، خود نمایی و پیشرفت غیر مسلمانان کاملاً چشم‌گیر است و گاهی اقتصاد مملکت و صنایع سنگین را قبضه کرده‌اند و به ریش مسلمانان می‌خندند، مسلمانان خوب عمل خود را می‌خورند که به قرآن و گفته رهبران دینی بی‌اعتنا شده‌اند.» (قرشی، ۱۳۷۷، جلد ۲: ۵۶) به این ترتیب، فلسفه تاریخ اسلامی بیانگر تمایل بلندمدت مفید به سمت حق است و لذا میل کردن سیستم به حق، یکی از متغیرهای کلان تاریخی مهم و مؤثر در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی است. اقتصاد مقاومتی باید همواره پیچیدگی شبکه‌ای از عوامل اجتماعی، فناورانه، سیاسی و حتی ماوراءالطبیعی را به عنوان یک جهان بینی و پس زمینه ذهنی سودمند، مدنظر داشته باشند که در نهایت شاخص‌های اقتصادی را می‌سازد. پس انگاره هستی‌شناسانه مناسب برای فائق آمدن بر خصم اقتصادی دشمنان، تسلیم ناپذیری در برابر طواغیت، کوشش فراگیر به همراه حسن ظن به وعده‌های الهی می‌باشد (رهبر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۷) که ایمان به آنها، تأمین سعادت و فوز مادی و معنوی را به همراه دارد و اگر ایمان حقیقی و عملی نسبت به خداوند ایجاد شود خداوند نیازهای بندگانش را برآورده می‌کند که یکی از آنها، فتنه و شرارت معاندان است (ر.ک: صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۳۷-۴۶) که در این برهه زمانی خود را در چهره تحریم‌های اقتصادی، فشارها و جنگ‌های تمام عیار اقتصادی نشان داده است که در ایت راستا، صبر و

استقامت روحی، نظری و عملی در کنار ایمان به وعده‌های الهی می‌تواند کلید نهایی رفع مشکلات باشد.

اقتصاد مقاومتی در بستر حفظ نظم و امنیت

اقتصاد مقاومتی علاوه بر این که امنیت را می‌باشد یکی از بسترهای موفقیتش نیز امنیت همه‌جانبه می‌باشد و به عبارتی دیگر، تأمین امنیت مادی و معنوی از لوازم حقیقی اقتصاد مقاومتی می‌باشد که در آیات و روایات بسیاری بر تأمین آن به مثابه نعمتی گوارا تأکید شده است. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه بیان می‌دارد که «قرآن می‌گوید: به خاطر بیاورید هنگامی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده؛ و إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا (بقره/۱۲۶) و این دعای ابراهیم به اجابت رسید، خدا این سرزمین مقدس را یک کانون امن و امان قرار داد، و امنیتی از نظر ظاهر و باطن به آن بخشید. دومین تقاضایش این است که اهل این سرزمین را-آنها که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌اند- از ثمرات گوناگون روزی ببخش؛ «وَأَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ». جالب اینکه ابراهیم نخست تقاضای امنیت و سپس درخواست مواهب اقتصادی می‌کند، و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکمفرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، جلد ۱: ۴۵۲-۴۵۱) پس، بستر پیشرفت و توسعه یک کشور، حفظ نظم مورد نظر و ایجاد امنیت است. تولید کالای امنیت، همواره مهم‌ترین فلسفه وجودی دولت‌ها را تشکیل می‌داده است. در جوامع اولیه، که تهاجم خارجی، بی‌نظمی‌ها و شورش‌های داخلی و فقدان ضمانت برای اجرای توافق‌ها و قراردادهای میان افراد، جان و مال و آبروی افراد را دستخوش خطر می‌کرد، دولت‌ها به وجود آمدند تا با ایجاد امنیت، افراد را در برابر این خطرها محافظت کنند. طبیعی است، دولت دینی یکی از اولویت‌هایش مسئله نظم و امنیت است. امام رضا^(ع) در این مورد می‌فرماید: مردم به رهبری احتیاج دارند که با دشمنانشان بجنگد، درآمدهای عمومی را بینشان تقسیم کند، نماز جمعه و نمازهای جماعتشان را اقامه کند و مانع ستم ستمکاران بر ستمدیدگان شود. امیر مؤمنان علی^(ع) نیز می‌فرماید: با وجود رهبر، از

مرزها پاسداری، شر دشمنان دفع، و راه‌ها امن می‌شود و نیکوکاران در رفاه قرار می‌گیرند و مردم از دست بدکاران آسوده می‌شوند. (جهانیان، ۱۳۸۸: ۷۹)

بنابراین، یکی از وظایف ضروری دولت دینی، نظم و امنیت است؛ البته امروزه نوع خاصی از امنیت هم در دستور کار امنیت ملی هر کشور قرار دارد، که می‌توان آن را «امنیت اقتصادی دولت» نامید. این نوع از امنیت با دو شاخص «دسترسی سریع کشور به کالاهای ضروری و راهبردی» و «رشد نسبی اقتصادی کشور» ارزیابی می‌شود. به دلیل اینکه سازوکار بازار، توانایی تأمین دسترسی سریع کشور به کالاهای ضروری و راهبردی را ندارد و به تنهایی پاسخگو نیست، بنابراین، تضمین و تعیین حداقل و حداکثر تولید کالاهای ضروری از یک سو و عدم تولید کالاهای حرام و مضر از سوی دیگر، در راستای وظیفه امنیتی و ضروری دولت اسلامی است، که باید برای تحقق این هدف، برنامه‌ریزی و نظارت داشته باشد. نظم و امنیت، هنگامی مطلوبیت و ارزش والاتری دارد که همراه با قانون صحیح و عادلانه باشد. قانون صحیح و عادلانه و نظم و امنیت در یک جامعه، همچون زمینی مستعد و آبی گوارا و هوایی مساعد است که برای رویش و بالندگی نهال انسان ضروری است. قدر این نعمت‌های مجهول و کالاهای عمومی، فقط زمانی دانسته می‌شود که کمیاب شوند یا از دست روند. بدون وجود پایه‌های نظم اجتماعی، از قبیل قانون اساسی، مجلس قانون‌گذاری و تولید قوانین مناسب و عادلانه، اهداف نظام اسلامی نمی‌تواند به سرانجام برسد. وضع قوانین صحیح و اصلاح قوانین نادرست، از شاخص‌های مهم پیشرفت یک کشور به شمار می‌آید. هرچه این قوانین به مصلحت عموم جامعه باشد و از سادگی و شفافیت بیشتری برخوردار باشد، ضریب مشارکت عمومی در جامعه افزایش خواهد یافت. در یک جامعه اسلامی، ابتدا باید ابعاد مکتبی و مسئله حق، قانون و عدالت را روشن نموده و نهادینه کرده باشیم؛ سپس، بر اساس چنین بستر قانونی، فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم سامان می‌پذیرد.

برای مثال، در جامعه اسلامی هنگامی که حق و مبنای حقوقی روشن شده و نهادینه گردید، بازار هم می‌تواند مبتنی بر حق عمل کند. در همین ارتباط است که نهاد احترام به قراردادهای، مهم‌ترین نهاد اقتصاد است. اگر این نهاد در جامعه از ارزش لازم برخوردار نباشد،

نهادهای دیگر اقتصاد، یعنی مالکیت و اشتغال، از امنیت لازم برخوردار نخواهند شد. در حوزه اقتصاد، تعیین و شفاف‌سازی و حمایت دولت از حقوق اسلامی قراردادهای مربوط به مالکیت و اشتغال، این امکان را برای عوامل تولید فراهم می‌آورد که در محیطی آرام و بانشاط و امن، خلاقیت‌ها و ابتکارهای خود را به منصفه ظهور برسانند و علاوه بر ایجاد رشد اقتصادی در کشور، درآمد خود را حداکثر کنند. امنیت اقتصادی، که شامل امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت اشتغال و درآمد است، در سایه این نهاد سرانجام می‌گیرد. (جهانیان، ۱۳۸۸: ۷۹)

در یک جمع بندی می‌توان اذعان داشت که: «نخستین مسأله‌ای که در همه جا لازم و ضروری است، و حرف اول را می‌زند، امنیت و آرامش است. اگر امنیت نباشد هیچ چیز نخواهد بود. نه اقتصاد سالم، نه صنعت قابل قبول، نه زراعت و تجارت مفید، و نه حتی معنویت. همه چیز در پرتو امنیت بوجود خواهد آمد. بدین جهت هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام دست به دعا بلند کرد، تا برای شهر مکه دعا نماید، اولین خواسته‌اش امنیت و آرامش این شهر مقدس بود «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (بقره/۱۲۶) و پس از آن مسائل رفاهی و تقاضاهای دیگر را مطرح کرد. بدین جهت، صرف هر مقدار هزینه برای ایجاد امنیت، و یا ثبات و پایداری آن، بجا و سزاوار است. اگر در جنگ هشت ساله، برای بدست آوردن یا حفظ این نعمت، جوانان برومند و عزیزی را از دست دادیم، برای ما قابل تحمل است. قرآن مجید به شدت با کسانی که مخل به امنیت جامعه اسلامی‌اند برخورد کرده، و برای چنین کسانی (که محارب نامیده می‌شوند) مجازات سختی در نظر گرفته است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۱۴)

تاب آوری اقتصادی و مقاوم سازی فعالانه اقتصاد

تعریف دیگر از اقتصاد مقاومتی ناظر به این معناست که این مفهوم یک راهبرد اقتصادی متناظر با مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» (امینی، ۱۳۹۳: ۵) در ادبیات متعارف است که به «مقاوم سازی فعالانه اقتصاد» توجه دارد. (سیفلو، ۱۳۹۳: ۱۵۱)

معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری در گزارشی با عنوان «تبیین مفهوم و مبانی تاب آوری و اقتصاد مقاومتی در طراحی برنامه ششم توسعه» (۱۳۹۳) بیان داشته است که

«برای کاهش آسیب پذیری از یک طرف و پیمودن مسیر توسعه کشور از سوی دیگر، لازم است رویکرد جدیدی در برنامه ها و سیاست های اقتصادی و اجتماعی اتخاذ گردد که این موضوع در قالب ادبیات اقتصاد مقاومتی قابل تبیین است. در تحلیل مولفه های اقتصاد مقاومتی در یک چارچوب اقتصادی و مقایسه ان با ادبیات موضوع، این نتیجه حاصل شد که این مولفه ها در واقع ارائه تصویری از رویکرد اقتصاد مقاومتی بوده که با اتکا به مکانیزم داخلی و مشارکت اجزای جامعه به دنبال درونزایی اقتصاد و رقابت پذیری است که در محتوای خود به دنبال کارکرد صحیح از نهادهاست و الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی، ارتقاء کارآفرینی در نهادهای سطح کلان، حکمرانی خوب، کارایی دولت در اجرای با کیفیت قوانین، ثبات و همگرایی سیاسی و مهمتر از همه تدوین اصول جدید در تصمیمات است که در نهایت منجر به حفظ کارکرد بازار در مواقع بروز مخاطرات می گردد و اقتصاد را به مفهوم واقعی تاب آور می نماید.» (جانی و زوجی، ۱۳۹۳: ۳)

مفهوم تاب آوری را می توان در سه چارچوب بررسی کرد؛ تاب آوری مهندسی، تاب آوری نظام ها که در علم اقتصاد به استحکام معروف است و تاب آوری در نظام های پیچیده سازگاری پذیر. (See: Breenn, and et.al, 2011)

الف) تاب آوری مهندسی: در ساده ترین سطح، تاب آوری به معنای بازگشت و بازیابی سریع پس از یک تنش یا فشار، تحمل تنش ها و فشار های بزرگتر و آشنفنگی کمتر در ازای مقدار مشخصی از تنش و فشار است. فشار یا تنش در این تعریف می تواند به هر دو صورت سختی های مزمن و یا بحران های حاد و زود گذر باشد. به این مفهوم ساده، تاب آور بودن یعنی: مقاومت کردن در مقابل اختلالات بزرگ بدون تغییر، بدون از هم پاشیدگی و یا بدون تحمل صدمه و خسارت همیشگی، بازگشت سریع به حالت عادی و تحمل کمترین انحراف در مواجهه با فشارها و تنش ها.

ب) تاب آوری نظام ها: تاب آوری در نظام ها به صورت حفظ کارکرد نظام در صورت وقوع یک اختلال تعریف می شود. هدف مدیریت در این روش، آن است که اطمینان حاصل کند که نظام های اندازه کوچک تر می توانند به کارکرد خود در طول بحران ادامه دهند. جوامع

می‌توانند نظام‌های جدیدی در پاسخ به بحران‌ها ایجاد نمایند. به عبارت دیگر، آنها می‌توانند خودسامان‌دهی کنند. این خودسامان‌دهی می‌تواند در هر سطحی انجام شود. نظام‌ها در مواجهه با بحران‌ها، دارای یک ظرفیت سازگارسازی هستند که به آنها این امکان را می‌دهد به کارکردهای خود در شرایط بحران نیز ادامه دهند. بنابراین، لازم نیست کارکردهای قبلی نظام حفظ شود؛ چراکه نظام می‌تواند در مواجهه با بحران، کارکرد‌های جدیدی خلق نماید. چنین نظام‌هایی را نظام‌های پیچیده‌سازگاری پذیر می‌گویند.

پ) تاب‌آوری در نظام‌های پیچیده‌سازگاری پذیر: عامل کلیدی که تاب‌آوری نظام‌ها را از تاب‌آوری در نظام‌های پیچیده‌سازگاری پذیر متمایز می‌کند، همان ظرفیت سازگارسازی یا قابلیت سازگارشدهن است. این ظرفیت صرفاً یک تعدیل و سازگار شدن (تغییر) نیست بلکه توانایی نظام‌ها (خانوار، مردم، اجتماعات، اکوسیستم‌ها و ملل) برای خلق راه‌های جدید به منظور ادامه‌فعالیت و روابط نظام‌مند جدید است. بنابراین، تاب‌آوری در فضای نظام‌های پیچیده‌سازگاری پذیر، به صورت توانایی مقاومت، بازیابی و بازگشت و سازمان‌دهی مجدد در پاسخ به یک بحران تعریف می‌شود. کارکرد‌ها حفظ می‌شوند ولی ساختار نظام ممکن است تغییر کنند. ظرفیت سازگارسازی عامل اصلی تاب‌آوری در نظام‌های پیچیده‌سازگاری پذیر است. (سیفلو، ۱۳۹۳: ۱۶۹-۱۶۴) در این تعریف، دو نوع شوک عمده برون‌زا و دو منبع اصلی آسیب‌پذیری لحاظ شده است: شوک‌های محیط‌زیستی یا طبیعی؛ و شوک‌های خارجی.

آسیب‌پذیری اقتصادی به شرایط ذاتی اطلاق می‌شود که میزان قرارگرفتن کشور در معرض شوک‌های برون‌زا را متأثر می‌کند؛ متأثر از متون اقتصاد رایج در خصوص آسیب‌پذیری اقتصادی. آسیب‌پذیری می‌تواند به عنوان نتیجه سه مؤلفه ذیل در نظر گرفته شود: اندازه و تناوب (فراوانی) شوک‌های برون‌زا، چه به صورت مشاهده شده (آسیب‌پذیری پسینی) یا پیش‌بینی شده (آسیب‌پذیری پیشینی)؛ میزان قرارگرفتن در معرض شوک‌ها؛ و ظرفیت و قابلیت پاسخ به شوک‌ها یا تاب‌آوری. از این رو، تاب‌آوری بیش از آنکه ساختاری باشد مربوط به سیاست‌های جاری است البته می‌تواند عناصر ساختاری نیز در مولفه تاب

آوری آسیب پذیری وجود داشته باشد. تاب آوری به توانایی یک کشور آسیب پذیر از نظر اقتصادی برای تعامل و مدیریت تکانه ها گفته می شود. بنابراین، تاب آوری اقتصادی به اقدامات سیاست گذاران و بازیگران اقتصادی اطلاق می شود که یک کشور را قادر می سازد در برابر اثرات منفی شوک ها مقاومت کرده، بازیابی گردد. همچنین اقداماتی که یک کشور را قادر می سازد از شوک های مثبت بهترین استفاده را ببرد، منجر به تاب آوری اقتصادی می شود. به عبارت دیگر، تاب آوری اقتصادی قدرت سیاست گذاری و اجرای آن در یک اقتصاد برای مقاومت و بازگشت از اثرات منفی یا تعدیل اثرات منفی شوک های برون زای نامساعد و بهره برداری و استفاده از شوک های مثبت است. همان گونه که در تعریف نیز آمده است، تاب آوری شامل اولاً، مقاومت و استحکام (و یا تعدیل) در مقابل شوک ها، و ثانیاً، بازگشت و بازیابی از آن شوک هاست. (سیفلو، ۱۳۹۳: ۱۶۹-۱۶۴ و رفیعیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۱-۲۲)

بریگالگیو (۲۰۰۶) از اصطلاحی با عنوان «فنریت اقتصادی» برای اشاره به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک های برون زای مخالف استفاده کرده است. بریگالگیو بیان می دارد که اصطلاح فنریت اقتصادی به دو مفهوم به کار می رود؛ توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک های اقتصادی تخریب کننده خارجی و توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک ها. (سیف، ۱۳۹۱: ۲۲-۵) بعد از وی، «دوال» با اشاره به مفهوم فنریت اقتصادی، آن را توان نگهداشت سطح محصول در نزدیک ظرفیت پس از شوک ها تعریف کرده است. «آیجینیر» این اصطلاح را به توان یک اقتصاد به کاهش احتمال عمیق تر شدن بحران و یا حداقل بهبود آثار یک بحران می داند. (سیف، ۱۳۹۲: ۱۱۶-۸۹)

نگارنده "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران" بیان می کند که اصطلاح فنریت اقتصادی به دو مفهوم نیز به کار می رود: اول، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک های تخریب کننده خارجی؛ دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک ها. توانایی ایستادن در برابر شوک ها هنگامی متصور است که شوک ها خنثی یا ناچیز باشند. همچنین این نوع فنریت هنگامی ممکن است، که اقتصاد از مکانیسم هایی برخوردار

باشد که آثار شوک‌ها را کاهش دهد که با عنوان «جذب شوک» از آن نام برده می‌شود. برای مثال، وجود بازاری انعطاف‌پذیر می‌تواند به عنوان ابزاری برای جذب شوک‌ها عمل کند. به طور کلی فنریت اقتصادی ممکن است ایستا یا پویا باشد. فنریت اقتصادی ایستا به مفهوم توان یا ظرفیت یک سیستم برای جذب یا منعطف شدن در برابر خطر یا زیان است. در تعریف عمومی‌تر آن، که ملاحظات پویا بودن شامل ثبات را نیز در خود دارد، فنریت اقتصادی به توان یک سیستم برای بهبود از شوکی پایدار گفته می‌شود. همچنین باید میان دو نوع فنریت اقتصادی تفاوت قائل شد:

الف) فنریت اقتصادی ذاتی: توانایی در شرایط عادی، یعنی توان جایگزینی نهاده‌های دیگر برای نهاده‌هایی که از طریق شوک خارجی با مشکل مواجه شده‌اند یا توان بازارها برای بازتخصیص منابع در پاسخ به علامت‌های قیمتی. این نوع فنریت اقتصادی ذاتی یک اقتصاد است و سیاست ساخته نیست.

ب) فنریت اقتصادی انطباقی: توانایی در شرایط بحران ناشی از قوه ابتکار و تلاش فوق‌عادی، یعنی بالا بردن توان جایگزینی نهاده‌ها در عملیات بازرگانی منفرد یا تقویت بازارها از طریق کامل کردن اطلاعات عوامل اقتصادی عرضه‌کننده و تقاضاکننده برای پیدا کردن یکدیگر؛ این نوع فنریت اقتصادی به خودی خود وجود ندارد، بلکه کاملاً سیاست ساخته است. (سیف، ۱۳۹۱: ۷-۸)

رویکرد بومی جمهوری اسلامی ایران به مقوله اقتصاد مقاومتی

بعد از بررسی دیدگاه‌های رایج در خصوص اقتصاد مقاومتی، به دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌پردازیم. از دیدگاه مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت تهدید اقتصادی دشمن با تغییر در اولویت‌های نظام اقتصادی و تغییرهای متناسب با آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلی در این نظام پدید می‌آید. در این وضعیت دو تغییر عمده رخ می‌دهد:

الف) در بین هدف های نظام اقتصادی اسلام، هدف استقلال اقتصادی که در ضمن هدف امنیت اقتصادی قرار دارد، بر هدف های دیگر مانند عدالت و رشد اولویت یافته و متناسب با آن برخی اصول مذهبی و راهبردی باز تعریف می شود. به این ترتیب که امنیت اقتصادی بر مصالح فردی و اجتماعی دیگر مقدم شده و نیز وظیفه های دولت و مردم در جهت تأمین امنیت اقتصادی باز تعریف می شود و متناسب با این تغییر های سیاست های کلی دستیابی به استقلال اقتصادی تدوین می شود. این سیاست ها عبارت هستند از:

مردمی کردن اقتصاد، مدیریت مصرف، مدیریت بهینه منابع طبیعی، مدیریت بهینه منابع ارزی، مدیریت بهینه واردات، مدیریت بهینه منابع مالی، بهبود فضای کسب و کار، پدید ساختن اقتصاد دانش بنیان، کاهش وابستگی به نفت، مبارزه با فساد اقتصادی، حرکت براساس برنامه، حفظ وحدت و انسجام ملی.

ب) جهاد اقتصادی بر مسئولان کشور و مردم واجب می شود و از این راه بستر مناسب برای نتیجه بخشی سیاست های کلی استقلال اقتصادی و تبدیل تهدیدها به فرصت ها فراهم می آید. لازم به تأکید است که عنصر اصلی و ممتاز اقتصاد مقاومتی جهاد اقتصادی است؛ به گونه ای که اگر این عنصر تحقق نیابد دیگر سیاست ها به صورت مطلوب تحقق نیافته یا نتیجه بخش نخواهد شد. این عنصر است که اقتصاد مقاومتی را از اقتصادهایی که در برابر تهدیدهای دشمن به گرفتن تدبیرهای عقلایی می پردازد، ممتاز می کند. (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۷۴) به اعتقاد رهبر معظم انقلاب اسلامی؛

«روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی، مضر است؛ تغییر سیاست های اقتصادی به طور دائم، مضر است. در همه ی بخش ها، بخصوص در اقتصاد، تکیه کردن بر نظرات غیر کارشناسی، مضر است؛ اعتماد کردن به شیوه های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است. سیاست های اقتصاد باید سیاستهای اقتصاد مقاومتی باشد. یک اقتصاد مقاوم باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه ی دنیا، آن گوشه ی دنیا متلاطم نشود.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۰۷)

ایشان در جایی دیگر بیان می‌کنند: «وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضات اقتصاد مقاومتی است. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۱/۰۱)

بررسی سبک زندگی اقتصاد غربی در حوزه‌ی سیاستی (نظریه‌ی پزدازی و گفتمان سازی) نشان می‌دهد این سبک نیز حیوان اقتصادی را پروراند یا می‌طلبد؛ که با اقتصاد مقاومتی به هیچ وجه هم سنخ و همخوان نیست و سبک زندگی اقتصادی اسلامی، انسان اقتصادی را می‌طلبد که با اقتصاد مقاومتی کاملاً همگن است. (مزینانی، ۱۳۹۲: ۲) بنابراین، پایداری نظام جمهوری اسلامی ایران، همیشه به عنوان الگویی از مقاومت برای حرکت به سمت استقلال و نفی وابستگی برای تمام ملل جهان بوده است. از آنجا که نگرش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای شکل دهنده به روابط و تعاملات اقتصادی در عرصه فردی و اجتماعی، در قالب «سبک زندگی اقتصادی» بیان می‌شود، مصرف‌کننده که به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی سبک زندگی و یکی از مؤلفه‌های کلیدی در اقتصاد است، نقش به‌سزایی در توسعه کشورها دارد. از این رو با اصلاح الگوی مصرف‌کننده که به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است، می‌توان این شاخص‌ها را بهبود بخشیده و گام‌های مؤثری را در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اهداف آن از جمله رهایی از اقتصاد وابسته و مصرفی و نیز مقاومت در برابر موانع داخلی و خارجی و عدم توقف در مسیر رشد و توسعه برداشت. نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این دو در کنار هم، جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم‌رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی در سطح کلان‌تر می‌شود. همچنین ترویج و اشاعه فرهنگ صحیح مصرف، باعث کاهش اتکای دولت به درآمدهای نفتی شده و منجر به بهبود توزیع درآمد بین اقشار مختلف جامعه خواهد شد. (رضوی و مهرزاد، ۱۳۹۲: ۱) رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌کنند:

«مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد. یک بُعد دیگر این مسئله‌ی تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه‌ی دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند، دستگاه‌های حاکمیتی -مربوط به قوای سه‌گانه- سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهائی با مارک‌های معروف خارجی که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند، ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳) با این اوصاف، پرهیز از مصرف‌گرایی و وارد کردن بی‌برنامه کالاهای خارجی، نقطه مقابل اقتصاد مقاومتی است و به تعبیر شهید مدنی، «ما دست‌نیز به سوی کالاهای خارجی دراز نمی‌کنیم و کلیه کالاهای آمریکایی باید تحریم شود.» (مدنی، ۱۳۹۲: ۱۱۴ و جان محمدی، ۱۳۹۴: ۶۴) به همین دلیل می‌توان اذعان داشت که بزرگ‌ترین خطر برای اقتصاد ملی، نابودی اقتصاد و فرهنگ امت است.

در یک جمع‌بندی از اقتصاد مقاومتی در اندیشه‌های اقتصادی رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌توان برداشت زیر را ارائه داد: اقتصاد مقاومتی برآمده از اصول و ارزش‌های مکتب اقتصادی اسلام است که بلندمدت و راهبردی می‌باشد به گونه‌ای که بی‌توجهی به آن، اضمحلال و ناامنی اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی به همراه خواهد داشت و استحکام ساخت درونی قدرت ملی را مخدوش می‌سازد. این استراتژی اقتصادی محدود به زمان جنگ و بحران‌های اقتصادی و مالی نمی‌باشد و در زمان آبادانی و رفاه اقتصادی نیز باید به اصول و شاخص‌های آن پایبند بود تا از عقاب کفران انعام الهی ایمن و مستحکم گردید. اقتصاد مقاومتی هم به ظرفیت‌های ملی توجه دارد و هم به شرایط و فضای محیط خارجی؛ در این میان آن چیزی که به استحکام اقتصاد نظام اسلامی قوت می‌بخشد، تقویت اقتصاد ملی است

که ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ اقتصادی دارد. به عنوان مثال، می‌توان به پرهیز از مصرف گرای، مصرف تولیدات ملی، نفی اسراف و تبذیر، و غیره اشاره کرد. در عین حال، اقتصاد مقاومتی بسترهای استقلال و امنیت همه جانبه را فراهم می‌نماید و کمک شایانی در کاهش تهدیدات بیرونی علیه نظام سیاسی دارد و جامعه را در برابر شوک‌ها و جنگ‌های اقتصادی دشمنان ایمن می‌سازد و می‌تواند به مثابه الگویی الهام بخش در کشورهای منطقه و جهان اسلام مطرح گردد. در نهایت اینکه اقتصاد مقاومتی مبتنی بر تولید طیب داخلی، توزیع عادلانه و مصرف بهینه و صحیح است که از توازن این سه فرآیند، اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد و بنیان مرصوص جامعه به اهداف والای انسانی و الهی خود نزدیک تر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در چند دهه اخیر با مشکلات، مصائب و کارشکنی‌های زیادی از سوی معاندان و مخالفان خود روبرو بوده است و در هر یک از چالش‌های پیش رو، تدابیری برای مدیریت و رفع تهدیدات اندیشیده شده است که زمینه‌های استحکام ساخت درونی قدرت ملی ایران را فراهم آورده است. یکی از چالش‌های مهمی که در دو دهه اخیر برای جامعه ایرانی مطرح بوده است، مسئله اقتصاد بوده است که در دو سطح داخلی و خارجی قابل رویت است. در بعد داخلی، مصرف‌گرایی و رواج سبک زندگی غربی از تهدیدات مهم اقتصادی بوده است و در بعد خارجی، تحریم‌ها و فشار اقتصادی یک یا چندجانبه غرب زمینه‌های ناامنی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است. بر همین اساس، راهبرد اقتصاد مقاومتی برای جمهوری اسلامی ایران اتخاذ گردید. اقتصاد با رویکرد مقاومتی برآمده از متن فرهنگ اسلامی، ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، و باورهای ملی ایرانیان می‌باشد که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح و تبیین گردید. چنین رویکردی در اقتصاد را می‌توان در سیره عملی معصومین و برخی از احادیث و آیات قرآن کریم مشاهده نمود و ریشه این رویکرد اقتصادی در معارف اسلامی جای دارد و قاعده نفی سبیل ناظر بر همین موضوع است؛ به این معنا که، جامعه اسلامی نباید تحت سلطه مستکبرین قرار بگیرد و یکی از ابعاد سلطه و زمینه وابستگی به این نظام، اقتصاد می‌باشد که جامعه اسلامی با تبعیت از ولی فقیه، عزم ملی، تعاون همه جانبه، اجرای

احکام و حدود الهی در سطح جامعه باید به سمت استقلال اقتصادی و استحکام نظام اقتصادی گام بردارند. با این اوصاف، در راهبرد اقتصاد مقاومتی بر همگان لازم است تا زمینه های استقلال همه جانبه کشور را فراهم آورند و هر شخص بر اساس وسع و توانایی خویش مکلف به انجام این کار است. اقتصاد مقاومتی در جمهور اسلامی ایران دارای مختصاتی است که به آنها اشاره خواهیم کرد: اولاً، این راهبرد اقتصادی برآمده از اقتصاد اسلامی است که صرفاً برای رفع تهدیدات و چالش های آتی طراحی و سیاستگذاری نشده است بلکه راهبردی بلند مدت است که امت اسلامی برای رسیدن به تعالی و تحصیل یک نظام پویا و مستحکم باید همواره به اصول و مولفه های این راهبرد پایبند باشند تا نظام سیاسی و اقتصادی در برابر تهدیدات احتمالی ایمن گردد. ثانیاً، این راهبرد اقتصادی تلاشی برای بومی سازی راهبردهای اقتصادی بر اساس مقتضیات، ارزش ها و باورهای ملی و مذهبی می باشد و برخلاف خیلی از کشورهای در حال رشد و پیشرفت از نظریات غربی استفاده نمی گردد. ثالثاً، اقتصاد مقاومتی ناظر بر یک اقتصاد الگو است که در بطن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار دارد. البته برای اقتصاد مقاومتی مفاهیم مترادفی نظیر اقتصاد موازی، اقتصاد ریاضتی، اقتصاد ترمیمی، اقتصاد دفاعی و غیره به کار می رود که هر کدام ناظر بر بخشی از این راهبرد هستند و از جامعیت لازم برای تبیین این رویکرد اقتصادی برخوردار نیستند. رابعاً، اقتصاد مقاومتی را به می توان یک راهبرد برای استحکام ساخت درونی اقتصاد ملی دانست که خواستار تحکیم پایه های اقتصاد کشور در حوزه های تولید، توزیع و مصرف می باشد که در این فرایند بر پایداری، طیب بودن، عادلانه بودن، تعادل مصرف و غیره تأکید دارد. این رویکرد ناظر بر رفع تهدیدات خارجی نظیر تحریم ها بوده و در بعد داخلی زمینه های مدیریت منابع و سرمایه های ملی را فراهم می آورد. خامساً، مصرف زدگی و وابستگی به رانت های طبیعی از آفت های جدی اقتصاد مقاومتی می باشد؛ زیرا به وجود آورنده ناهنجاری ها، شکاف طبقاتی، احساس محرومیت، فشار هنجاری و غیره خواهد بود. بر این اساس، مدیریت حکیمانه، تدبیر عاقلانه و رفتار منطقی از زمینه های برپایی اقتصاد مقاومتی می باشد. علی رغم مباحث فوق، توجه به این نکته حائز اهمیت است که اقتصاد مقاومتی صرفاً یک اقتصاد درونزا و حصارکشیده به دور خود نیست بلکه در تعامل با اقتصاد بین المللی است و به برونزایی و درونزایی توجه دارد و تلاش بر این است تا از تمامی ظرفیت های موجود استفاده شود. باید اذعان داشت که اقتصاد مقاومتی تلفیقی از رفتارهای اقتصادی و فرهنگ ملی است و بر همین اساس،

مولفه‌های فرهنگ اقتصاد اسلامی-ایرانی در این راهبرد بسیار حائز اهمیت می‌باشد. به عنوان نمونه می‌توان به مولفه‌های فرهنگی نظیر کاهش مصرف بی‌رویه، دوری از اسراف و تبذیر، قناعت، ساده‌زیستی، سبک زندگی اسلامی-ایرانی، مصرف کالاهای تولیدی داخلی و حمایت از تولیدگران ملی در برابر تولیدات وارداتی و تجملی، فرهنگ کار جهادی، وحدت ملی و غیره اشاره کرد. از آنجایی که این مولفه‌های فرهنگ اقتصادی نیازمند آموزش و ترویج عمومی هستند، رسالت نهادهای آموزشی و تربیتی در فرایند تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. به عبارتی دیگر، نهادهایی نظیر خانواده، مدارس و نظام آموزش عالی می‌توانند به درونی‌سازی ارزش‌های اقتصاد مقاومتی در سطح جامعه همت گمارند و اصول سیاستی اقتصاد مقاومتی را در افراد درونی‌سازی نمایند. در همین راستا، نهاد رسانه می‌تواند فرایند گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی را انجام برساند و ارزش‌های اقتصاد مقاومتی را میان اقشار مختلف جامعه تبلور بخشد و سایر رسالت‌های رسانه‌های عمومی عبارتند از: رسالت آموزشی و جامعه‌پذیری، رسالت اطلاع‌رسانی، رسالت بحران‌زدایی، رسالت برجسته‌سازی ارزش‌های اقتصاد مقاومتی، رسالت یکپارچه‌سازی و غیره. در نقطه مقابل، مدارس و نظام آموزش عالی با رسالت‌هایی نظیر افزایش نوآوری و ایده‌های نو در سطح جامعه، توسعه کارآفرینی، رشد دادن مهارت‌های فردی، بسترسازی برای همبستگی اجتماعی و ملی برای ایجاد شرایط مساعد برای راهبرد اقتصاد مقاومتی، انتقال فرهنگ‌های اقتصاد مقاومتی و غیره در فرایند اقتصاد مقاومتی نقش‌آفرینی می‌نمایند. در نهایت، برخی از راهکارهایی که ایجاد‌کننده بستر و شرایط مناسب برای اقتصاد مقاومتی در جامعه ایرانی هستند عبارتند از: توجه و پایبندی به ارزش‌ها و فرهنگ‌های اقتصاد اسلامی، ترویج اقتصاد دانش‌بنیان، مدیریت و کار جهادی، خودکفایی و استقلال اقتصادی، رعایت عدالت اقتصادی، شکل‌گیری نظام شایسته‌سالاری و درستکاری ملی، حمایت از تولید ملی، توجه به فرامین ولی فقیه در مسائل راهبردی و کلان‌جامعه، رفع فقر از جامعه، اقتصاد منهای نفت، بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها و سرمایه‌های طبیعی و انسانی، بسترسازی برای جهاد اقتصادی، مشارکت عمومی و کنش‌گری آحاد ملت در صحنه‌های اقتصادی، رصد و آینده‌نگری تهدیدات پیش‌روی اقتصاد ملی و تلاش برای یافتن رفع آنها، توجه به درونزایی و برونزایی اقتصاد، تقویت دیپلماسی اقتصادی و

منابع

فارسی

- ۱- احمد علی یوسفی، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۲- اصغر و آذر طهماسبی، «جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت(ع)»، فصلنامه قرآنی کوثر، سال پانزدهم، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۹۴.
- ۳- امام خمینی(ره)، کوثر(مجموعه سخنرانی های حضرت امام خمینی(ره))، جلد اول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱.
- ۴- امام خمینی(ره)، وصیت نامه الهی سیاسی امام خمینی(ره)، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۸۱.
- ۵- امام علی(ع)، غررالحکم، به کوشش عبدالواحد آمدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، بی تا.
- ۶- آیت الله عبدالله جوادی آملی، «معضل مدیریت سفیهان: اقتصاد مقاومتی در منظر آیت الله جوادی آملی»، فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدره، ویژه نامه اقتصاد مقاومتی، زمستان ۱۳۹۳.
- ۷- آیت الله مدنی، جامعیتی چون شهید مدنی (ره) اولین شهید محراب، به همت موسسه شهید محراب آیت الله مدنی همدان، موسسه شهید محراب آیت الله مدنی با مشارکت موسسه فرهنگی هنری سینا طاهر، ۱۳۹۲.
- ۸- ایوب قلاوند، اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و روایات، پایاننامه کارشناسی ارشد، ایلام، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، ۱۳۹۳.
- ۹- جعفر وفا، ثروت از دیدگاه قرآن، قم، نشر مرکز تحقیقات سپاه، بی تا.
- ۱۰- حبیب زمانی محبوب، «بازکاوی راهبرد استقامت در مقابله با دشمنان»، پژوهش های دفاعی امنیتی اسلام، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- ۱۱- حجت الله عبدالملکی، اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست ها و برنامه عمل، تهران، مرکز تحقیقات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۳.
- ۱۲- حسام الدین خلیلی، «مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، سال پنجم، شماره ۲۰، پائیز ۱۳۹۱.
- ۱۳- حسن سبحانی، دغدغه ها و چشم اندازهای اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.

- ۱۴- حسین اکبری، «پدیده مقاومت، بستر ساز اعمال قدرت فراملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۳۸۸.
- ۱۵- حسین جان محمدی، چلچراغ بندگی: سیری در سیره عالم مجاهد شهید آیت الله مدنی (ره)، همدان، نشر روزاندیش، ۱۳۹۴.
- ۱۶- حسین عربی، «اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری»، سیاست کلان، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۲.
- ۱۷- حسین عبوزلو، اقتصاد اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، خبرنامه الکترونیکی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوازدهم مهرماه ۱۳۹۳.
- ۱۸- حسین مظاهری، مقایسه‌ی بین سیستم‌های اقتصادی، جلد اول، قم، انتشارات موسسه در راه حق، بی تا.
- ۱۹- داود دانش جعفری و سمانه کریمی، «نفت، برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۴.
- ۲۰- سجاد سیف‌لو، «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۲۲، شماره ۸۷، تابستان ۱۳۹۳.
- ۲۱- سجاد سیف‌لو، «مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- ۲۲- سیاوش جانی و علاءالدین ازوجی، تبیین مفهوم و مبانی تاب‌آوری و اقتصاد مقاومتی در طراحی برنامه ششم توسعه، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، دفتر امور اقتصاد کلان و ارزیابی برنامه، ۱۳۹۳.
- ۲۳- سید عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
- ۲۴- سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، تهران، انتشارات بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- ۲۵- سیدحسین میرمعزی، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، پائیز ۱۳۹۱.
- ۲۶- سیدمحمدحسینی بهشتی، محمدجواد باهنر و علی گلزاده غفوری، شناخت اسلام، تهران، نشر روزنه، ۱۳۹۰.
- ۲۷- عادل پیغامی، درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی: تبیین نظریه اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری، تهران، مرکز تحقیقات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۳.
- ۲۸- عبدالمجید شیخی، «رابطه اقتصاد مقاومتی با علم اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدر، ویژه نامه اقتصاد مقاومتی، زمستان ۱۳۹۳.
- ۲۹- علی اسدی، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۳.
- ۳۰- علی صفایی حائری، از معرفت دینی تا حکومت دینی، قم، انتشارات لیل القدر، ۱۳۸۶.
- ۳۱- علی کرم‌لو، «مبانی قرآنی اقتصاد مقاومتی»، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۹۸۹، هجدهم اسفندماه ۱۳۹۳.
- ۳۲- علیرضا پورفرج و دیگران، «فرهنگ قلب اقتصاد دانش‌بنیان در رشد و توسعه اقتصادی»، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۶۳ و ۶۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱.
- ۳۳- فتح اله تازی و زهرا کاویانی، «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن»، فصلنامه سیاست کلان، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۲.

- ۳۴- فرهاد رهبر و دیگران، «رهیافتی بر هستی شناسی اقتصاد مقاومتی: تلاشی در جهت نگاه اسلامی به گذار سیستم های اقتصادی- اجتماعی»، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره ۷۸، بهار ۱۳۹۳.
- ۳۵- کمبسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام، «اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی در سیاست های کلی»، فصلنامه سیاست کلان، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۲.
- ۳۶- کیهان، «اقتصاد دفاعی»، روزنامه کیهان، پانزدهم فروردین ۱۳۸۴.
- ۳۷- گروه مطالعات راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم های استیکبار جهانی، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۳.
- ۳۸- مجید فیض پور و طاهره رضایی، «بررسی نقش مولفه های سبک زندگی اسلامی در استراتژی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای»، نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، جهاد دانشگاهی واحد البرز، آذر ۱۳۹۲.
- ۳۹- محسن عبداللهی، «شناسایی مبانی نظری گفتمان اسلامی توسعه با محوریت آموزه های دینی و اندیشه های امام خمینی (ره)، فصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.
- ۴۰- محسن قرائتی، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- ۴۱- محسن موحیدیان، «اقتصاد مقاومتی نهضتی خردمندانه»، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۳.
- ۴۲- محمد سروش، استیکبار و استضعاف در قرآن، قم، انتشارات پژوهشکده تحقیقات اسلامی، بی تا.
- ۴۳- محمدجواد باهنر الف، گذرگاه های الحاد، تهران، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران و نشر شاهد، ۱۳۸۷.
- ۴۴- محمدجواد باهنر ب، مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران و نشر شاهد، ۱۳۸۷.
- ۴۵- محمدجواد نوراحمدی، «اقتصاد مقاومتی ضرورتی اجتناب ناپذیر برای نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا، ویژه نامه اقتصاد مقاومتی، زمستان ۱۳۹۳.
- ۴۶- محمدجواد نوراحمدی، «اقتصاد مقاومتی ضرورتی اجتناب ناپذیر برای نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا، ویژه نامه اقتصاد مقاومتی، زمستان ۱۳۹۳.
- ۴۷- محمدرضا مدرس، مقدمه ای بر نظام مالیاتی و بودجه در اسلام، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۳.
- ۴۸- محمدصادق تراب زاده جهرمی و دیگران، «بررسی ابعاد و مولفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۲.
- ۴۹- محمدعلی گویا، تحلیل رفتارهای اقتصادی در اقتصاد مقاومتی با تکیه بر آموزه های اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۳.
- ۵۰- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۵۱- مرتضی مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹.
- ۵۲- مرتضی مطهری، یادداشت های استاد مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۵۸.
- ۵۳- معاونت طرح و برنامه، «اقتصاد مقاومتی و نقش دانشگاه ها در تحقق آن»، نشریه سامان، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۳.

- 54- Lino Briguglio and et.al, Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements, UNU World Institute for Development Economics Research, Research Paper No. 2008/55, May 2008.
- 55- Martin-Breenn, Patrick and J. Marty Anderies, Resilience: A Literature Review, Rockefeller Foundation ,Briefing Summary Brighton: IDS, November 2011.